

حقایق دیگری از جنایات

مدعی در راه سرکوبی خلق هاستفاده می کند.

روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۵۸ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر نیروهای دولتی به پل سقر (۵ کیلومتری شهر) رسیدند. مدعی از مردم شهر آرزوی ورود و چهرومی پل به حالت اعتراض به ورود پاسداران و ارتش نشنیدند. فانتومها و هلی کوپترها بر فراز شهر ظاهر شده و به روی اجتماع مردم روی پل تیراندازی کردند.

هفت نفر از جوانان شهر راه را بر خودروهای ارتش بستند. آنها از کونکول پل بولت برای مقابله با ارتش استفاده می کردند. یک جوان پانزده ساله همان روز توانست بولت یک تریلر به دست آورد. مدعی از مبارزین با تیراندازی از سنگرهای خود جرتفیل ارتش را از کار انداختند و همان جوانان که راه را بسته بودند، توانستند در شش تا جرتفیل و دیگر خودروها را خلع سلاح و آسپارادستگیر کنند.

نیروهای دولتی وقتی متوجه شدند که گذشتن از پل کار آسانی نیست به وسیله مزدوران مفتی زاده که به منطقه آشنایی داشتند از پل راه قصد حمله به شهر را کردند. در همین اوضاع ارتش در پادگان شهر نیرو پیاده می گردوان کار بیشتر به این علت بود که مدعی از افراد پادگان سقر که طی سالها با مردم آشنا شده بودند حاضر به اطاعت کورگروانه و حمله و تیراندازی نبودند.

تیراندازی به وسیله هلی کوپتر به مردم ادامه داشت که در نتیجه آن ۱۷ نفر کشته و ۳۵ نفر زخمی شدند. یک زن در داخل پنجره خانه خود هدف گلوله قرار گرفت. مدعی زیادی از پاسداران نیز کشته شده و یک هلی کوپتر نیز سرنگون گردید.

غروب همان روز (چهارشنبه ۳۱ مرداد) پاسداران مجبور به عقب نشینی تا ۲ کیلومتری شدند و محلات اطراف پل که متصرفین است از سکنه خالی شد. در همین روز ساعت ۶ بعد از ظهر فرمانده پادگان، سرهنگ فرنازهایی، همراه با امام جمعه شهر (ملا عبدالله) برای مذاکره با پاسداران و اعلام آتش سبز با پیرجمعه سعیدی طرف آنها رفت. اما هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. رادیو دولتی اعلام کرد که فرمانده توسط صدامتلاسون شهبند کشته است.

روز پنجشنبه ۱ شهریور ۵۸ نیروهای مترقی همراه مردم به مقابله برخاستند. چون دیگر جنگ احتساب ناپذیر بود. در این روز تیراندازی همچنان ادامه داشت و دوباره ارتش به چند کیلومتری شهر رسید. غروب روز پنجشنبه جنگ به اوج خود رسید. خلق و نیروهای مردم سقر بیطرف چشگیری داشتند. همان شب اطراف پادگان محاصره شد و به تسخیر پادگان چیزی نمانده بود. یلندگوهی شهر اعلام می کرد که پادگان هر چه زودتر باید تسلیم شود. اما بعد از علم شد که آسودی در پادگان سوده است و با بی سیم و هم را گزارش داد است. حدازه ۱ دقیقه پرواز تا سوهامر از شهر شروع شد. بارها دیوار موسی را شکستند و با پرتاب بمب پلاستیکی روشی کشف شده همرا برای تیراندازی هلی کوپترها آماده کردند. در نتیجه آن شب پادگان سقوط کرد.

مردم که به دفعات وحشیگری های ارتش و پاسداران را دیده بودند و خیریت خانه ها و مساجد را توسط حیاها تخریب کرده بودند، وحشتزد از امکان دیدن ران شهرو برای احتساب ارتش و ترسانان و مردان و بچه ها عقب نشینند. بمباران مسئله محاصره اعمادای شهر، بیطرف بود. در پی حمله هلی کوپترها شهر آرام چند فراز اهالی بی دفاع کشته و مجروح شدند. یک دختر هفت ساله و دختر دوازده ساله و جوانی هجده ساله از آن فوب کرد. در گرو در این حمله یک هلی کوپتر کبری در شهر پرسیو سینه کرد و سپس سگر مبارزین خلق ... سر و خنابانی شهر راه گلوله شد. رگرو در جنگ مدعی از پاسداران که در حال فرار بودند. در حالی که نگران از آناله می دادند، می گفتند:

"مبارزه رو رو چیده به اینجاست فرستادند و ما گفتند که کردها کاب و صدامتلاسون ... زمانی که خمین و سمن و ما می خواهیم مسلم نوسم."

بازگشایی دانشگاهها و مدارس و ...

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاهها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده های ملمبونی خلق است) از میان همین تحلیل هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.

قیام بهمن ماه و پیروزی مردم بزرگ دیکتاتوری شاه تغییراتی اساسی در شرایط مبارزه فراهم آورده است. ترکیب نیروها و رابطه آنها با یکدیگر اساساً متحول شده است. اشکال سرکوب ارتجاع هیچگونه شهادتی با شیوه های سرکوب گذشته ندارد. سطح آگاهی و تشکل توده های دانش آموز و دانشجو وصف بندی آنها با گذشته قابل قیاس نیست. ارتجاع حاکم آشکارا از گشایش مجدد دانشگاهها و مدارس و راه دوروز آن می ترسد که با بازگشایی آنها، نیروهای چپ گمراه محیط های روشنفکری توان و قدرت مادی قابل ملاحظه ای دارند، دانشگاهها و مدارس را از توده سگر مبارزه علیه ارتجاع بدخل سازند. مرتجم ترین و بالاترین نیروی سازمان یافته فاشیستی یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که تمام حیات خود را بی هیچ برده پوشی به مبارزه با سازمانهای مترقی و انقلابی گذرانیده است تحت پوشش ضرورت پیشبرد جهاد سازندگی درخواست شش ماه تعطیل برای دانشگاهها و مدارس عالی و اگر دوجزب حاکم نیز تصور می کند گشایش موجب اشاعه "فساد افکار" در میان جوانان خواهد شد. حتی آنها پنهان نمی کنند که از گشایش دانشگاهها و راه دوروز آن، آنها کاشی هستند که ترجیح می دهند به جای دانشگاهها کوی طلاب را در هر کجایار به بندازند.

از حوالی فروردین تا همین اواخر اکثریت مطلق دانشجویان مذهبی تحت تاثیر پیروزی های قیام و نقش رهبری روحانیت در آن به رهبری همین جریانها گردن نهاده اند و آن را با استواری ایده آلها و آرگانهای خود یافته اند. این جریان موجب شد طی تمام ماههای بهار و اوایل تابستان بیشترین فشار روی نیروهای مترقی و پیش از همه روی نیروهای طرفدار مجاهدین خلق وارد آید. در این دوران این نیروها از وحدت و انسجام و روحیه تفریق نسیب بالائی برخوردار بودند و هر نوع مخالفت با حزب حاکم و بطور کلی حاکمیت ارتجاعی و ضدیت با انقلاب می بینداشتند. اما به تدریج رسد اخیرا یک جریان عکس در وجهت، یکی در جهت آسیب دیدن وحدت و انسجام آنها و دیگری در جهت جدانشدن نیروهای روشنفکری مذهبی از جناحهای ارتجاعی و پیوستن مجدد آنان به نیروهای مترقی آشناساز شده باشد. نیروهای مترقی مذهبی که از اوایل قیام تا اوایل تابستان به سرعت منفرد می شدند و نیروها از دست می دادند اخیرا مجددا بطور مشخص و محسوس رو به رشد سریع نهاده اند.

بعناقد ما این پرسه پایه پای روشن شدن ماهیت جناح حاکم و سمت گیری های به غایت ارتجاعی آن در آینده بازم تشدید خواهد شد و نیروهای واقفانتر قیام مذهبی مقداری زیادی از نیروهای راکه از دست داده بودند دوباره کسب خواهند کرد.

حقایق نشان می دهند که در بین نیروهای ضد مارکسیست مذهبی نیز شکافی آشکار پدید آمده است. یک جناح که با سرکوب فاشیستی مارکسیست ها و نیروهای انقلابی مخالف است، طرفدار آزادی عقیده، مناظره و مباحثه و ادامه تصفیه عناصر وابسته به رژیم شاهه در دستگاههای دولتی و نظامی است و عدم پایبندی به این اصول و این سیاستها را فراهم کردن بهترین زمینه های رشد برای نیروهای هوادار مارکسیسم می انگارد و از این نظر خیانت به "انقلاب اسلامی" می شمارد و جناح دیگر که هوادار سرکوب فاشیستی به تمام وسایل و طرق ممکن است و هر نشیوع کوتاهی در این زمینه را خیانت به "رهبری" و تسلیم شدن به کمونیسم می داند، این جناح وظیفه عمده خود را چاق قبل از آرمی و چپ بعد از آن مبارزه با کمونیستها و درو اس آنان سازان چریکهای فدائی خلق ایران دانسته و تمام مخالفین اینسازان ایدئولوژیک عنوان "مناقض" زیر به حلات خود قرار داده است. چنانچه سیاست هوشیاران و درستی در برابر این جناح پیش گرفته شود میباید نظریه رسد در سال آتی سده بدون اشک و برافلاذنی غیر دانشجو چاقوش ها و چاق دارهای طرفدار آنها بتوانند هر دانه اشکای کاری از پیش ببرند.

در شماره آینده، در ادامه این بحث، صف بندی نیروهای مدافع اهداف و آرمان طبقه کارگر را در دانشگاهها و مدارس ایران و وظیفه سنگینی را که متراپسین شرایط به عهده دارند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

و خود را تسلیم ساررس خلق کرد کرد.

ظهور کلی روز جمعه یک لحظه هم نبرانداری قطع شد و البته عسرو پدو هلی کوپتر دیگر هم سرنگون شد (۲ شهریور ۵۸) در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر ارتش با توپ و تانک وارد شهر شد و اولین گارش به توپشش بمب بمب بمب بود و تانکها رسیدند به پادگان تانکیا و هلی کوپترها تیراندازی می کردند و شهر گلوله باران شد. در این حمله حتی ارتشک و بمب های اش را هم استفاده کردند. ترتیب عده بسیاری از مردم در داخل خانه های خودشان به فتر رسیدند. مردم فتر و پیش مرگان مسلح گردیدند. با فتر تیراندازی در حالت جنگ و گریزه مقابلیه با نیروهای دولتی پرداخته و با استفاده از توپ های عظیم گرفته شده تانکها را به بوپ سستند و در نتیجه دوتا ک تانک نابود گردید. این سرد ساعت ۶ صبح روز ۳ شهریور ۵۸ ادامه داشت.

صبح روز ۳ شهریور ۵۸ ک از منزل خارج شدند. اما پاسدارها به قسم ریختند و برای اینکه عکس العمل مردم را میسند با بلندگو غاصای آب می کردند اما کسی در راه رویشان با یکرد. در عرض آسپا بی سیم به پادگان اطلاع دادند که در شهر به حوسی از ما استقبال می کنند. در همان روز جمعه ۳ شهریور ۵۸ و در همان روز، مارگر شروع شد و روز ۲۲

در قارنایا «دیپاسین» ایران ...

بقیاض صفحه ۱

اتفاق افتاد که تمام مردان این روستا از قبل خارج شده بودند و تنها افرادی که قادر به حرکت نبودند در روستا اقامت داشتند. مواعیل این جنایت بیشتر از افراد "قره باخ" بودند که یک هفته قبل از آن وسیله ملاحظاتی جنایتکار سلطه شده بودند و این عمل را به تلافی اعدام یک پاسدار ندهای وسیله مکرر آنها در سر دست انجام دادند. در نتیجه این جنایت در روستای "قارنا" ۵۲ نفر زن و کودک شهید شدند که فقط سه نفرشان به وسیله گلوله از پای درآمدند و بقیه با سر بریده شدند یا با کار دارهای درآمدند.

نه رادیو تلویزیون انحصاری روستاها هم برمی آید هیچکدام این خبرنگاران دهنده را نمکس نکردند. روزنامه انقلاب اسلامی هم که در شماره چهارشنبه ۲۱ شهریور در مقاله خود تحت عنوان "در سگ قارنا" به این جنایت اشاره ای دارد، تلاشی کرده است تا بخشی قضیه را مستالی کند. این روزنامه می نویسد:

"در میان نابوری و بهت خبر شدیم که به دهی گردن نشین حمله و مدع بسیاری را قتل مام کرده اند". این روزنامه محلی، موزبانها از حرفی ماملین این جنایت ظفره رفتی است و در کمال بی شرمی از جنایت فقط به این دلیل ایراز تاسف می کند که

واضح تر بگوئیم از بد روزنامه انقلاب اسلامی چنین استنباط می شود که اگر این جنایت می توانست سودی داشته باشد یا مورد توجه دشمن قرار گیرد، امری نبود و تا بد خوب هم می بود و جایزه ای هم برای آنها که به این جنایت دست زده اند قائل می شد. آنها نیز که سوگند یاد می کنند به منظور رضای خداوند و اجرای عدالت ارتش و نیروهای پاسدار را برای سرکوب خلق کرد بسج کرده اند. حال که نتایج این فجایع را دیده اند فقط به این اکتفا می کنند که بگویند "مطالعاً اقدام می کنیم و امیدوار هستیم که جبران" این جنایات شود.

مردم زحمتکش مامی پرسند ...

بقیاض صفحه ۱

داشت بچه های زحمتکشان به دانشگاهها راه یابند؟

دولت که روزانه ۴ میلیون بخره نفت می فروشد، به چه دلیل می خواهد فشار را بر مردم زحمتکش افزایش دهد؟ گرانی بیش از حد، بیکاری، درآمد کم و اجاره خانه کافی نیست، اما دولت شهریه گران مدارس راه اعانه کرده است. آیا خون همین دانش آموزان زحمتکش نبود که برکتش را برای همه ریخت؟ آیا شهریه مدارس غیررسمی فرزندان ما برای شرکت در انقلاب نیست؟ مامی گوئیم:

آموزش رایگان حداقل بسیار اش فداکاری های دانش آموزان است. چنانکه در الجزایر، نیکاراگوئه، ویتنام و سایر کشورهایی که علیه ظلم و استعمار انقلاب کرده اند، آموزش رایگان جزو اولیسن اقدامات دولت موقت انقلابی بود است. ما برای فرزندانمان شهریه نخواهیم پرداخت و شهریه های پرداخت شده را هم بر سر ما می گذارند. ما حتی اگر مجبور شویم برای پس گرفتن شهریه پرداخته های آموزش و پرورش بستم می نشینیم.

شهریه مدارس لفا باید گردد آموزش رایگان ایجاد باید گردد هزینه تحصیلی، بکسرای زحمتکشان، پرداخت باید گردد

اعتراض معلمان پیشگام تهران ...

بقیاض صفحه ۱

مختلف اداری و آموزشی وزارت آموزش و پرورش هستیم. ما واکتی هائی که در لیسن کارمندان اداره حفاظت با در هر مقام دیگری به مردم ستم دیده ما و فرهنگ با دفلکاری و خیانت پیشگی به اعمال نکنیم خود در میان ما ادامه دهند. های اینگونه افراد در اردوگاههای تادیبی کار است نه در میان دانش آموزان و آموزگاران فداکار.

۲- هر نوع تصفیه افراد در مدارس و ادارات آموزش و پرورش باید با نظر خود معلمان یعنی شورای کارکنان هر مدرسه و اداره با افشای سوابق آنها همراه باشد. ۳- تفتیش مقابله با خیال کردن آزادی بیان و قلم به ویژه در محیط های آموزشی را محکوم می کنیم و آزادی اندیشه را سدمحکمی در برابر نقشه های ضد مردمی ارتجاع و امپریالیسم می دانیم.

تنگ و رسوائی بر مرتجعین و نقشه های ضد مردمی شگوفان باد مبارزه آزادیخواهانه خلق

درا هتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاهها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده های ملمبونی خلق است) از میان همین تحلیل هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.

قیام بهمن ماه و پیروزی مردم بزرگ دیکتاتوری شاه تغییراتی اساسی در شرایط مبارزه فراهم آورده است. ترکیب نیروها و رابطه آنها با یکدیگر اساساً متحول شده است. اشکال سرکوب ارتجاع هیچگونه شهادتی با شیوه های سرکوب گذشته ندارد. سطح آگاهی و تشکل توده های دانش آموز و دانشجو وصف بندی آنها با گذشته قابل قیاس نیست. ارتجاع حاکم آشکارا از گشایش مجدد دانشگاهها و مدارس و راه دوروز آن می ترسد که با بازگشایی آنها، نیروهای چپ گمراه محیط های روشنفکری توان و قدرت مادی قابل ملاحظه ای دارند، دانشگاهها و مدارس را از توده سگر مبارزه علیه ارتجاع بدخل سازند. مرتجم ترین و بالاترین نیروی سازمان یافته فاشیستی یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که تمام حیات خود را بی هیچ برده پوشی به مبارزه با سازمانهای مترقی و انقلابی گذرانیده است تحت پوشش ضرورت پیشبرد جهاد سازندگی درخواست شش ماه تعطیل برای دانشگاهها و مدارس عالی و اگر دوجزب حاکم نیز تصور می کند گشایش موجب اشاعه "فساد افکار" در میان جوانان خواهد شد. حتی آنها پنهان نمی کنند که از گشایش دانشگاهها و راه دوروز آن، آنها کاشی هستند که ترجیح می دهند به جای دانشگاهها کوی طلاب را در هر کجایار به بندازند.

از حوالی فروردین تا همین اواخر اکثریت مطلق دانشجویان مذهبی تحت تاثیر پیروزی های قیام و نقش رهبری روحانیت در آن به رهبری همین جریانها گردن نهاده اند و آن را با استواری ایده آلها و آرگانهای خود یافته اند. این جریان موجب شد طی تمام ماههای بهار و اوایل تابستان بیشترین فشار روی نیروهای مترقی و پیش از همه روی نیروهای طرفدار مجاهدین خلق وارد آید. در این دوران این نیروها از وحدت و انسجام و روحیه تفریق نسیب بالائی برخوردار بودند و هر نوع مخالفت با حزب حاکم و بطور کلی حاکمیت ارتجاعی و ضدیت با انقلاب می بینداشتند. اما به تدریج رسد اخیرا یک جریان عکس در وجهت، یکی در جهت آسیب دیدن وحدت و انسجام آنها و دیگری در جهت جدانشدن نیروهای روشنفکری مذهبی از جناحهای ارتجاعی و پیوستن مجدد آنان به نیروهای مترقی آشناساز شده باشد. نیروهای مترقی مذهبی که از اوایل قیام تا اوایل تابستان به سرعت منفرد می شدند و نیروها از دست می دادند اخیرا مجددا بطور مشخص و محسوس رو به رشد سریع نهاده اند.

بعناقد ما این پرسه پایه پای روشن شدن ماهیت جناح حاکم و سمت گیری های به غایت ارتجاعی آن در آینده بازم تشدید خواهد شد و نیروهای واقفانتر قیام مذهبی مقداری زیادی از نیروهای راکه از دست داده بودند دوباره کسب خواهند کرد.

حقایق نشان می دهند که در بین نیروهای ضد مارکسیست مذهبی نیز شکافی آشکار پدید آمده است. یک جناح که با سرکوب فاشیستی مارکسیست ها و نیروهای انقلابی مخالف است، طرفدار آزادی عقیده، مناظره و مباحثه و ادامه تصفیه عناصر وابسته به رژیم شاهه در دستگاههای دولتی و نظامی است و عدم پایبندی به این اصول و این سیاستها را فراهم کردن بهترین زمینه های رشد برای نیروهای هوادار مارکسیسم می انگارد و از این نظر خیانت به "انقلاب اسلامی" می شمارد و جناح دیگر که هوادار سرکوب فاشیستی به تمام وسایل و طرق ممکن است و هر نشیوع کوتاهی در این زمینه را خیانت به "رهبری" و تسلیم شدن به کمونیسم می داند، این جناح وظیفه عمده خود را چاق قبل از آرمی و چپ بعد از آن مبارزه با کمونیستها و درو اس آنان سازان چریکهای فدائی خلق ایران دانسته و تمام مخالفین اینسازان ایدئولوژیک عنوان "مناقض" زیر به حلات خود قرار داده است. چنانچه سیاست هوشیاران و درستی در برابر این جناح پیش گرفته شود میباید نظریه رسد در سال آتی سده بدون اشک و برافلاذنی غیر دانشجو چاقوش ها و چاق دارهای طرفدار آنها بتوانند هر دانه اشکای کاری از پیش ببرند.

در شماره آینده، در ادامه این بحث، صف بندی نیروهای مدافع اهداف و آرمان طبقه کارگر را در دانشگاهها و مدارس ایران و وظیفه سنگینی را که متراپسین شرایط به عهده دارند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

توطئه دولت

برای اخراج کارمندان آگاه و مبارز

کارمندان با اتحاد و مبارزه خود اس توطئه هاراحسی خواهند کرد.

واضح است که حسن جواسنهائی از طرف حاکمیت فعلی چیزی جز حاکمیت سرمایه داران و انحصارگران داخلی و خارجی به شمار نمی آید. دولت وهنست چاکمه که درصدد حاکم و مست رواسط سرمایه داری استه هستند. برای سرکشتن بنان از هیچگونه عوامفریبی و گمراهی بوده های ناآگاه ترسی ندارند. آنان با وجود به کارگماردن روسائی در ارنی و ادارات و آزادی گروه گروه از عوامل سرمایه داری و ارتجاع حاکم هرگونه انتقاد و دعوت از سرمایه داران غارتگر بکنار احبیار فرار دادن سن از مبلهاردنومان ازجوه کشور بازم دم از وجود عناصر اخلاکگر در ادارات می زنند و انتقاد و افشاگری را در رابطه با چنین هدفهائی صدمردمی خودکاری خط و ضد انقلابی به شمار می آورند. البته از نظر حامیان سرمایه داری و ارتجاع حاکم هرگونه انتقاد و مبارزه اصولی در جهت آگاهی مردم می بایست خرابکاری در کارنامه همین و انحصار طلبان و باحامیان سرمایه داری وابسته قلمداد گردد. چرا که خواست زحمتکشان میهمان از اساس منقارت است و آنچه که سرمایه داران داخلی و خارجی منظر نظر دارند.

اما مبارزات کارمندان آگاه و مترقی که همستافا نگاری و انتقادشان از هدفهائی انحصار طلبان و قشر بیونمانی بوده در راه تحقق آمال و آرزوهائی سرمایه داران کنونی، در این شرایط مواجه با یورش ارتجاعی هیئت چاکمه شده است. امروز اگر کارمندان نمی توانستند از طریق مطبوعاتی مردمی افشاگری کنند اما هنوز چه از طریق مستقیم و چه از طریق بریونتهای نیروهای انقلابی، امکان افشاگری دارند و هفت چاکمه گریزی ندارند جز اینکه با سرکوبی و خشنابنیروهای آگاه و مبارزان مطلع و معتمد که در انصورت مبارزات توده ها شکل متفاوتی به خود خواهد گرفت. در این شرایط کارمندان آگاه و مبارزان با تاکید بر نهادهای شورائی و تأمین حق اظهار نظر و انتقاد بگری تمام کارمندان صرف نظر از هرگونه تعلقات ملی و مذهبی و عقیدتی و به دراز هرگونه تنگ نظری باید دست به مبارزه ای فعال و پیگیر در جهت حفظ دستاوردهای انقلاب در زمینه آزادی بزندان در هر ادارت و مودتتری با توجه به شرایط موجود باید متشکل شد و مبارزه را برای کسب حقوق و آزادی های دموکراتیک گسترش داد. بخصوص در شرایط امروز که خطر هجوم یک جریان ارتجاعی و شبه فاشیستی از طرف قشر بیون انحصار طلب برای تسلط بر ارگانهای مردمی در حال شکل گرفتن است، ضرورت چنین شکل و مبارزات به حقیقی بیش از پیش ملموس گردیده است. جلوگیری از طرح و پیاده شدن چنین بخشنامه هائی ازجانب ارتجاعی و ضد مردمی که سلطه این جریان را تسهیل خواهد کرد مورد تاکید بوده و راهبست خاص برخوردار می باشد.

بخشنامه های اخیر دولت، خط و مبارز و امید بران موسسات دولتی که طی آن دولت بازرگانان و اساتید را احاد سازمانهای حفاظت و کنترل و بعضی کارمندان ضد انقلابی و خرابکار "نده است، هرگاه با مقاومت فعال کارمندان مردمی و مبارز روبرو نگردد، عملا مسخر به سلطه فضای حقیقی و بعضی عناصر در ادارات دولتی خواهد شد. هرگونه موفقیت عوام مسل دسعود در پیاده کردن چنین دستور العملهائی منحصا به معنی پامال کردن دساوردهائی است که کارمندان مبارز و آگاه در طول مبارزات و اعتصابات موفقیت آمرتشان در جریان انقلاب بدست آوردند.

اعتصاب کارمندان چه در بخش دولتی و چه خصوصی نفس منوری در پیشبرد مبارزه علیه رژیم شاه داشت. بوسنن کارمندان و کارگران وزارت نیرو، اداره محابرات، شرکت نفت، بانک مرکزی و اساتدان دانشگاه و معلمین مبارز بجنش اعتصابی، بخصوص پس از ۱۷ شهریور رونق بیشتری به مبارزه داد و نتیجه های دیگیری را باز کرد و از این تاریخ به عنوان جنبش انقلابی توده های محروم و زحمتکش میهن ما افزود. در جریان این مبارزات کارمندان پیروزی هائی در ارتباط با محیط کار و فعالیت خود در ادارات کسب کردند. مبارزه ای که در گذشته عمدتاً در وجه آن علیه دیکتاتوری برای آزادی بود، همسرین دستاوردهای خود را نیز در اینجا د نهادهای دموکراتیک، مصمم گیری و مشاوره به بار آورد. یکی از دستاوردهای مهم کارمندان در این زمینه برخورداری از نهادهای شورائی در ادارات و تأمین آزادی انتقاد و اظهار نظر و افشاگری علیه آنچه که در راه پیشرفت مبارزات توده ها بود، از جهت دیگر کارمندان که سالها تحت فشار واک، ادارات حفاظتی و خشنابنی " به سوت کشانده شده بودند و روحیه مبارزه جوئی و اعتراض در آنها به حداقل رسیده بود و از طرف دیگر فشار زندگی قسطنی آنها را به رویدادهای سیاسی و اجتماعی کم اعتنا کرده بود، در جریان انقلاب با بهنگائی عناصر آگاه در ادارات به بالا بردن آگاهی های خود پرداخته و هرروز با شرکت فعالتر خود در صهر مبارزات مردم آندیده بر می شدند و در این زمان بود که روحیه اعتراض و مبارزه آنان تقویت شد و افشاگری، هرگونه حرکات ضد انقلابی از هدهای آنان به شمار می آمد، امروز بخشنامه های رنگارنگ دولتی در واقع به از بین بردن تمامی چنین دستاوردهائی در بین کارمندان گم بسته است.

اما جرادولت و هیئت چاکمه قصد از بین بردن این دستاوردهای مبارزاتی را دارد؟ جواب این سؤال را باید در ماهیت حاکمیت کنونی جستجو کرد. چرا که سرمایه داران کنونی درصدد آنند که هرگونه صدای حق ظنی و آزادی خواهی و مبارزه کرده و آنان را به اتهامات واهی و ضد مردمی، " خرابکار" به نهمز کنند.

کارگران نفت بندر عباس:

ما کارگران با یکپارچگی و اتحاد

به مبارزه ادامه می دهیم

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامهائی که جمعی سن منتشر کرده اند به مشکلات و حواسنهائی خود اشاره کرده اند. آنها در اس اعلامه که خلاصه ای از آن را می خواند کشفه اند: عدار اعلامت که همسند ملت ایران که زحمتکشان و زحمتگران خصوص کارگران صنعت نفت معن اساسی در سروروی آن به عهده دانستند. مفرر بدعوی ماهانه هر کارگر ۲۵۰۰۰ ریال باشد. ماهه ریش و معاون اداره و دیگر مسئولان با راهها را جمع کردیم. متاسفانه اینسان هیچگونه پاسب مسنی ندادند. علاوه بر آن سالی فحاشی و هتاکاری را گذاشته اند. (البته قبل از انقلاب با بندهند ساواک ترس از پاسبی و اخراج بود رخ کنندن قدرتشان را از اواداره سکت م، کردند) پیمانکار شرکت که سالهاست کتک ریش و معاون شرکت نفت بندر عباس حق ما کارگران را با اعمال کرده اند همچنان غرور کوشی مشول است. یک نفر بارر س هم که برای رسیدگی به مشکلات ما از برگرد آید. باس ها تناسی کسیده و مشول خوشگذرانی و خرید احساس خارجی است.

ما کارگران که تازه به معون خود آشنا شده ایم با یکپارچگی و اتحاد به مبارزه ادامه می دهیم و حق خود را با ساروهم که شده می گریم. در باس آن لازم است متذکر شوم که ریش و پیمانکار و سایر مسئولان باید بدانند که در صورت عدم رسیدگی به مشکلات ما مشول عوانت و حرم آن خواهند بود.

مرک بر امیرالیم جهانسی به سرکردگی امیرکا و و استگاش هرچه گسترده تر بباد وحدت کارگران و زحمتکشان

اجتماع کارگران

چینی سازی ایرپوسلان در استانداری گیلان

رشت - بنش از ۳۰ تن از کارگران چینی سازی " ایرپوسلان" که خواهان دریافت حقوق عقب افتاده و ماهانه التعاون حقون و حواسنهائی رها می هستند در تاریخ ۱۲ شهریور ماه در محل استانداری گیلان اجتماع کردند. کارگران چینی سازی " ایرپوسلان" در ماههای گذشته مبارزات کسیده ای حبت به دست آوردن حقون خود داشتند و در نتیجه این مبارزات مشکل و نکاره شدند.

بندر انزلی - کارگران حفاظ سدر ابرلی در تاریخ ۳ سرمایه ۵۸ در یک کرده امی به منظور کرم حقون ملتم خود و جلوگیری از هرگونه ساری مصمم به احاد سدنکای کارگران حفاظ گریه در اس جلسه نامسداگان خود را انتخاب کردند و صورتجلسه را در تاریخ ۱۲ شهریور ۵۸ فرماداری و سپرداری سدر ابرلی ارسال دادند.

کارگران حفاظ سدر ابرلی به اس وسیله موجودیت سدنکای کارگران حفاظ اعلام کردند. تعدادی از حواسنهائی اسدائی و اساسی کارگران حفاظ به شرح راسی ۱- سدنکای کارگران حفاظ سپهران ابرلی سپهاسده و امعی کارگران حفاظ اس سهر می ساد و ساد ار حالت معانات مشول به رسمت ساخته بود.

۲- کارگران حفاظ سدر ابرلی هر ساله کارگری و همچنین حق اسفاده از عطیلات رسمی و معطل حمه ها اسفاده از حقون سهر مند بود.

۳- کارگران حفاظ سدر ابرلی و حوسی سه در مای و خدمات اجتماعی و حوسی اولاد برخوردار سوند

کارگران یسرو:

آقای بازرگان

کارگران زورگو نیستند

حلی مهران ایران، سوده های عظم مردم، دهه ها با کارگران و دیکتر زحمتکشان رژیم دیکتاتوری و ضد کارگری آریامبری رانه رانه ادان تاریخ افکنند. هم وطنان عزیز بخش سروس سار کارگران را در اولسن مرحله پیروزی به حوسی می دانند و شما (ریش دولت) سرکالاهاس امر و افقید. باروان پرتوان کارگران، رژیم شاه را سرکون و سمارانه کرسی سدارت رساند. همور مردم فراموس نگرداند که چگونه کارگران سارر صفت نفت با اعتصابشان سوسپای قدرت حاکم را لرزاندند و به حسی اعلامی حلی توان بخشندند.

آقای بازرگان: شما ستر از هر کسی این مومسورا می فهمید. اما چه شده است که سدار کدش: شش ماه در کارخانه ها و کارگاهها و محل مقدس کار کارگران، افراد مسلح صدشورش و اعتصاب جای ماموران حفاظت ساراکی را گرفته اند؟

شما ستر از هر کسی این مومسورا می فهمید. اما چه شده است که سدار کدش: شش ماه در کارخانه ها و کارگاهها و محل مقدس کار کارگران، افراد مسلح صدشورش و اعتصاب جای ماموران حفاظت ساراکی را گرفته اند؟

حق اعتماد که جزو حقوق اولیه کارگران است ممنوع و مطلق ضد انقلابی

تهران - در جریان حملات ناجو ایدر دانه مرتجعین و عاملان سرسره امیرالیم به خلق کرد، گروهی از جوانان ناآگاه که از ماهیت این اقدام ضد انقلابی و غیر انسانی بی خبر بودند، " آلت دست" مرتجعین قرار گرفتند و به صحنه سرکدشده شدند. در سپاری از کارگزاران تحلیفات دایته داری انجام گزم و از بعضی کارگران ناآگاه خواسته شد برای سرکوب خلق کرده آن منطقه بروند طبق خبر رسیده، در کارخانه " جنسرال مویور" تحت اس عنوان که شرکت در حکت یک فرسخه دستی است، پانزده

تحصن

کارگران شرکت واحد

شراط کار کارگران واحد ۱۵ هزار نفر کارگران شرکت اتوبوسرانی واحد که از جمله زحمتکشان جامعه ما هستند بیشتر اوقات شبانه - روزشان را در ترافیک شلوغ خیابانهای تهران می گذرانند. کلیه این کارگران با وجود سابقه طولانی کار، روز مسزد هستند و اگر بگورز به خاطر بیماری و سوا تعادف نتوانند سرکار حاضر شوند، از دریافت حقوق محروم می شوند. حداقل ساعات کار برای کارگران شرکت واحد هفت ساعت در روز در نظر گرفته شده اما بیشتر آنها روزانه بیش از ۱۲ ساعت کار می کنند و چون اکثر ادارات خانواده ای بر حمت هستند مجبورند حتی روزهای جمعه و سایر روزهای تعطیل را نیز کار کنند. تعطیلات سالانه کارگران اتوبوسرانی واحد مانند سایر کارگران ۱۲ روز در سال است.

راننده ها که سشترین تعداد کارگران شرکت واحد را تشکیل می دهند روزانه بطور متوسط هفتاد تومان حقون می گیرند و دستزد کم راننده ها و بلیط فروشها بطور متوسط ۳۰ تومان در روز است. می توان گفت که تفرساتام کارگران سی خانه هستند. بسیاری از آنها در چادر سدی می کنند و صما ۴۵ دستگاه خانه که از ۷-۸ سال پیش برای کارگران ساخته شده همچنان تا تمام مانده است. عده ای از کارکنان واحد ۳۰۰ تومان هر سه سکن می گیرند. وضع سبه کارگران اتوبوسرانی واحد تهران مانند دیگر کارگران، بسیار بی سوسامان است. کارگران با وجود پرداخت حق سمسده ماهانه از کلیه امکانات بهداشتی محروم هستند و حتی زمانی که بزندک برای آنها استراحت تجویز می کند بهماز پذیرفتن ورده بستری شدن کارگران خود ا میچند.

کارگران در مورد مذاکراتشان با ساسده دولت و بعضی سدنکاسده که ساسده دولت به آنها قول داده به حواسن رسیدگی کند اما سدنکاسده سدنکای فرمایشی سالی است و به حواسپای کارگران نوحهی نمی کند.

سلب آزادی مطبوعات زمینه ای برای سرکوب خلق

وزارت فرهنگ و تفریح جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر
بخشنامه
بندهای مختلف و مورد است دستورالعمل دولتی
نظر بانگه بخش کارمندان دولت معانی خرابکنی با ملت و انقلاب اسلامی و با خشنابنی دولت جمهوری اسلامی به تمل و کمکاری سبر در ارتجاع و احبابنا شرکت اند سراسراف و انتقادهای ضد انقلاب و خرابکاری میگردد به ضرورت دارد که اولاً مراتب شهید بکار برنده و ناآنها بدون تشاج و تعسقل خنکاران و خرابکاران را برکنار و تحت تعقیب قرار دهند. دستیز نریانین این بخشنامه به دستاذهای تا به مرکز و شهرستانها ابلاغ و نتیجه آن اعلام گردد.



پیام به کارگران و کارکنان سازمان گوشت

مد کارگری، حمله به محل جمع کارگران و سدنگاهها، اخراج کارگران مبارزان کارخانه، حمله به خلق کرد و کشتن آنها، بی رحمانه آنها، معاصی کبیره هستند. ما همان داریم نقشه‌هایی که برای کارکنی و سرکوب اعتصاب شما تنظیم می‌شود. هیچوقت نمی‌تواند صدی در مقابل خواننده‌های برجسته باشد. در امان استوار شما خلقی به وجود آورد.

گروهی از کارگران پیشرو تهران
۱۵ شهریور ۵۸

ایرانی که زحمتکاران، راس کار باشند. به اقلیت سرمایه‌دار. تمامی زحمتکاران می‌دانند که مهر صداعلاسی زدن به کارکنانی که برای حقوق خود می‌کند. حمله و سوطه جدیدی است. سرمایه‌دارانی که زحمتکاران را محرومتر از انسانها محروم به اعتراض و تخصص می‌کنند خود محرم و صداعلاسی هستند. زحمتکاران و کارکنان می‌دانند که اعتصاب و تحصن معاصی کبیره است. سرکوب کارگران و زحمتکاران، هجوم افراد مسلح به محل کار، تنظیم قوانین

نلاس مبارز ایحاف حقوقی و حواسه‌ها و مبارزه شما علیه رورکوشی معامات صدکارگری بود. محسن کلبه کارگران و زحمتکاران است. کارکنان از اعتصاب و حق طلبی. هاسان با تمام مواجبتی می‌کنم. باشد تا مبارزه مشترک ما کارکنان و زحمتکاران، سرمایه‌داران و معامات صدکارگری (چه دولتی و چه غیردولتی) را نابود کرده و برای دموکراسی و آزادی و برابری تمام این سرمایه‌داران و معجوران بسازیم.

گزارش اعتصاب کارگران و کارکنان کشتارگاه تهران

تهدید کارکنان و راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه کارکنان و زحمتکاران مقدمه برای سرکوب عملی کارکنان بود. (سرکوب مبارزات کارگری). صد انقلابی شدن کارکنان مبارزان و اخراج آنها و حقه کردن ندای حق طلبانه آنها، توطئه ای است برای میدان دادن به سرمایه‌داران.

وبلاخه سرکوب اعتصاب کارکنان و کارکنان کشتارگاهها مقدمه ای است برای سرکوب کارکنان دیگر کارخانه‌ها و کارکنان کشتارگاهها. امروز نوبت کارکنان کارخانه ذوب آهن صنعت نفت، امروز نوبت سرکوب کارکنان و کارکنان کشتارگاه و فردا باکمال بی شرمی نوبت خفه کردن ندای حق طلبانه دیگر کارکنان و کارکنان با پشتیبانی از خواسته‌های به حق ما (کارکنان و کارکنان کشتارگاه) که چیزی جز:

"افزایش حقوق و مزایای کارکنان و کارکنان کشتارگاهها" است. "تعمیر کارخانه‌ها و بازسازی آنها" است. "تعمیر کارخانه‌ها و بازسازی آنها" است. "تعمیر کارخانه‌ها و بازسازی آنها" است.

هر چه مستحکمتر با دهمیستی کارکنان و زحمتکاران در راه مبارزه برای احقاق حقوقشان مرگ بر امپریالیسم و نوکراسی داخل می‌شود.

کارکنان و کارکنان پیشرو کشتارگاه ۱۵ شهریور ۵۸

بعد از تسبیل کلانتری منطقه و پاساژان نیروهای ضربتی و سرکوبگر خود را در محل کارخانه مستقر ساختند. عبور و مرور به داخل محوطه و ساختمان کشتارگاه تحت کنترل افراد مسلح قرار گرفت. در ظهر همین روز منطقه کاملاً نظامی شد. وجود دو تن از پاساژان مسلح در دو طرف در ورودی کشتارگاه و توتوس نظامی پارک شده در جلوی دربی شاهدت به یادگان نظامی بود.

کارکنان و دیگر کارکنان این روز را در اعتصاب به سر بردیم. روز چهارشنبه روزنامه‌های باغیاد و کسپان دست به چاپ دروغ‌های بی‌شماره‌ای در مورد گروگان گیری می‌بردند. عامل سازمان گوشت توسط کارکنان زندو بدینوسیله حرفهای آقای بازگان را نشاند

نموده و به خیال خودشان ضربه ای به اعتصاب کارکنان وارد آوردند. به راستی از روزنامه دولتی کههان نیز جراحی‌هایی نمی‌توان انتظار داشت. روزنامه ای که پس از دولتی شدن مداح دهن چاکر رژیم حاکم شد و کاری جز ضربه زدن به آرمان زحمتکاران نداشته است.

هم اکنون کم کاری و نارسایی در کشتارگاه تهران همچنان ادامه دارد. کارکنان و کلیه کارکنان فاطمانه و بطور بی‌گنجه مبارزه‌شان را تا به دست آوردن کامل حقوقشان ادامه می‌دهند. کارکنان و زحمتکاران پس از توفیق روزنامه‌ها و نشریه‌ها، میدان دادن به روزنامه‌های دولتی و دستگاههای سرکوبگر مقدمه‌ساز آزادی‌های دیگر بود.

ما کارکنان و کارکنان کشتارگاه تهران در زمان رژیم ساسی روزی ۲ ساعت اضافه کاری داشتیم که آن اضافه کاری ساسی به تعاضای دولت جدید به دو ساعت کاهش پیدا کرد. از مرداد ماه حتی دو ساعت اضافه کاری مقرر نیز به کارکنان پرداخت نشد و عملاً از حقوق هر یک از کارکنان و کارکنان ماهانه مبلغ ۱۲۰۰ تومان کم شد.

این گرس شدن حقوق با شرایط کارکنان و کم پولی موجود مورد اعتراض کارکنان قرار گرفت. در روز یکشنبه ۱۱ شهریور ماه تصمیم به اقدام برای احقاق حقوقمان گرفتیم.

در این روز کارکنان و دیگر کارکنان که لغو اضافه کاری شاملشان می‌شدند به کم کاری زده و فرار بران شدند که روزانه فقط به اندازه سهمیه بیمارستانها کشتار شود. ساعت ۲ بعد از ظهر نماینده کارکنان و کارکنان برای مذاکره پیش نماینده دولت می‌روند و نماینده دولت درکمال بی اعتنائی صریحاً جواب می‌دهد: "ما این اظهار بی اطلاعی می‌کنیم و بدون مقدمه در جواب خواسته‌های شما را صد انقلاب و مزاحم و تحریک کننده می‌خواند. در وقت کوتاهی ما بی اعتنائی نماینده دولت که به حق خاطرات دوران رژیم صدکارگری را به خاطر می‌آورد موجب ناراحتی نمایندگان شده از آنجا خارج می‌شوند.

در عصر همین روز آقای بارگان در نظریه‌ها و تلویزیونی این کارکنان را مورد تهنیت و تحسین قرار دادند و در این عذرارتش فرار دادند و دستورات سرکوب اعتصاب را فراموش آورد. صبح روز

این است منطق دولت:

کارگران کشتارگاه چون حق خود را می‌خواهند ضد انقلابی هستند

بدر ماهه روزهای هفتم تا دوازدهم شهریور ماه حقوق مردمان را (با قطع اضافه کاری) اوچند روز در تراز ماههای قبل (دریافت کردیم. اجتماعی تشکیل دادیم و خواهان دریافت اضافه کاری و اجرای مفاد قرارداد سابق شدیم. قسمتی از خواسته‌های ما کارکنان کشتارگاه به شرح زیر است.

- ۱- پرداخت حق اضافه کاری که از ماه گذشته قطع شده است.
- ۲- اجرای قرارداد های سابق که کارکنان بر اثر مبارزات خود به دست آورده‌اند.
- ۳- پرداخت حداقل دستمزد جدید که وزارت کار تعیین کرده است.
- ۴- پرداخت حق مسکن.
- ۵- خواربار و اولاد.
- ۶- افزایش ضریب حقوق و اجراء طرح طبقه بندی مشاغل.
- ۷- نصفه سازمان گوشت و کشتارگاه از عوامل مزدور سابق و کسانی که برخلاف منافع کارکنان قدم برمی دارند.

به هر حال اجتماع ماکه جنبه سلامت آرزو داشت با تهدید ماسوران کمیته روبرو شد. بلافاصله ماسوران کمیته هابه کشتارگاه آمدند و سده ای از پاساژان نیز شروع به آمد و رفت کردند. کارکنان گفتند که ماسوران کمیته حتی دخالت در کار آنها را ندارند و باید محل کشتارگاه را ترک کنند. اما آنها چند تن از نمایندگان ما را به کمیته بردند و در آنجا به وسیله چند نفر که قبلاً ساواکی بودند و کارکنان آنها را خوب می‌شناختند، تهدید به قتل کردند. یکی از ساواکی‌ها که امروز در کمیته هم کاره است، گفته بود:

"شماره از بالای ساختمان به پایین برت می‌کنیم و با اینکه به سلسلستان می‌بینیم و ..."

کارکنان که به نمایندگان خود ایمان دارند، سعی کردند مبارزه را از راهبای سلامت آیز و بدون درگیری پیش ببرند، اما عوامل مزدور ساواکی‌های سابق مرتباً توطئه چینی کردند و علیه ما مرتباً دست به تبلیغات زدند. تا جایی که رئیس دولت مارا ضد انقلابی قلعه‌دار کرد. روز ۱۲ شهریور کارکنان قسمت ذبح کشتارگاه حدود ۵۰۰ نفر می‌شوند از چند روز پیش با مقامات مختلف (معاون وزیر کشاورزی، رئیس سازمان گوشت و سایر مسئولان سازمان) مذاکره کرده و به نتیجه نرسیده بودند. شروع به "کم کاری" کردند. هدف کارکنان از این عملیات فشار قرار دادن مسئولان و دست آوردن حداقل حقوق خود بود. بلافاصله پس از این اقدام بر حق کارکنان، موج حملات ناخواندانه و تبلیغات دروغین آغاز شد. کسانی که ما را متهم کرده‌اند، از مسائل و مشکلات ماکه هستند. ظلم و ستمی را که بر ما روا شده می‌دانند و لسی می‌خواهند با این عمل خود کارکنان را بر سرانند و آنها را از مبارزه دور کنند. اما این عوامل مزدور بدانند که ما کارکنان هیچگاه بر ضد منافع مردم و مصالح انقلاب قدمی بر نمی‌داریم و حاضر هستیم جان خود را نیز در راه زحمتکاران قربانی کنیم. اما در عین حال اجازه نمی‌دهیم حقوقمان با بحال شود و مردوران و مرتجعین مانسند گذشته خون ما را بکنند. ما کارکنان در روز دوازدهم شهریور که شروع به کم کاری و اعتراض کردیم به این مسئله توجه داشتیم که نیازهای بیمارستانها و مراکز مشابه آن را تامین کنیم و این کار کردیم. حال کسانی که یک عمارت بر خلاف منافع مردم قدم برداشته‌اند می‌خواهند دوباره مثل گذشته چها ولگری کنند. ما را "صد انقلابی" می‌خوانند.

به هر حال کارکنان مبارز کشتارگاه جزبایان حقیقت و حداقل خواسته‌های خود چیزی نمی‌خواهند و از تهدید و هوشیار عوامل مزدور نیز نمی‌هراسند و تا رسیدن به این خواسته‌ها مبارزه ادامه می‌دهد.

بکارکنان کشتارگاه، این زحمتکاران جنوب شهر تهران که در شرایط دشوار به سخت ترین کارها مشغول هستند، "مهر ضد انقلاب زده‌اند کارکنان کشتارگاه را به خاطر حق طلبی و به جرم اینکه اجرائی تصمیمات و قرارداد های گذشته را می‌خواهند صد انقلابی" نامیدند و با و قبحانه ترین عبارات و تهدیدها مورد حمله شان قرار دادند.

این حمله از جانب دولتی انجام گرفت که سرمایه‌داران را زیر "چتر حمایتی خود گرفتند و برای کمک به آنها تنها یک فلم پنج میلیارد تومانی بودجه تعیین می‌کنند. دولتی که آمادگی خود را برای سرکوب کارکنان کشتارگاه اعلام می‌کند، به سهانه ملی کردن بانکها، ۳۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به چهار لنگر خارجی که ظالمانه ترین بوسی رحمانه ترین فشارها ما وارد آوردند، "غرامت" می‌کند. طبیعی است چنین نیتی نباید هم تحمل نشدن کوچکترین مرهات حق طلبانه را داشته باشد و حتی حاضر نباشد قرارداد های را که عاملان صدکارگری رژیم گذشته محبوبه قبول آن شده‌اند، بپذیرد.

تعجب آور نیست که رئیس چنین دولتی در جواب خواسته‌های منطقی و بر حق کارکنان کشتارگاه عریده کنی کند و بگوید:

"به جنبه ... هر کارگردان انسان می‌خواهد بکشد، ما زیر بار زور نمی‌رویم و ..."

حال بهینیم کارکنان کشتارگاه جمهوری گفته‌اند و چه خواسته اند که این چنین دولت سرمایه‌داران هراسان شده است.

مطلب را از زبان یکی از کارکنان شنوید:

"ما کارکنان کشتارگاه بخصوص آن گروه که در قسمت کشتار مشغول هستیم کارکنان و زبادی داریم. کمتر کسی با مشکلات و دردهای ما آشنا است (البته با حساب کارکنان زحمتکار را از دلایلی واسطه‌ها و افراد مفتخوری که در کشتارگاه هستند، جدا کرد). در میان این زحمتکاران، آدم سالم کمتر پیدا می‌شود. کانی است کارگری چند سال در کشتارگاه کار کند تا به چندین نوع بیماری از جمله ساینک، واریس، کمردرد و روماتیسم مبتلا شود. ما مجبور هستیم در طبیعت ۱۸۰ درجه بدون کمترین استراحتی کار کنیم و بطور مرتب گوشت مردم را تا من نمانیم با این همه سختی، دستمزد ما بسیار ناچیز است. مثلاً کارگری که ۱۵ سال سابقه کار و چند نوع بیماری دارد، روزی ۸ تومان می‌گیرد. ما در سالهای گذشته مبارزات زیادی کردیم و موفق شدیم در اوایل سال گذشته قرارداد با مسئولان سازمان گوشت منعقد کنیم که بهترین خواسته‌های ما را در بر می‌گرفت. مثل افزایش حقوق، حق مسکن و اولاد و خواربار. پس از پیروزی قیام ووری کار آمدن دولت جدید انتظار داشتیم که سایر خواسته‌هایمان عملی شود و قرارداد با ما به طور کامل اجرا گردد. از جمله ۲۵ درصد افزایش حقوق و بالاترین ضریب دستمزد و اجرای مفاد قرارداد سابق. اما قصبه دست برعکس شد. زیرا از فروردین اسال ۷۵۰ تومان از حقوق ما کم کردند و خواسته‌های دیگر نیز هیچکدام عملی نشد. در شهریور ماه اسال نیز حقوق ما چند روز دیرتر پرداخت شد و بعد هم با کمالات تعجب دیدیم اضافه کاریمان کاملاً قطع شده است. به طور مرتب کارکنان ماهانه ۱۰۰ ساعت اضافه کاری می‌گرفتند که این مبلغ برای ترمیم حقوق بود و با قطع آن دیگر ما قادر به تامین حداقل زندگی خود هم نیستیم به عنوان مثال کارگری که در سال گذشته ۳۰۰۰ تومان می‌گرفته اکنون کمتر از ۲۰۰۰ تومان دریافت می‌کند. زیرا به لطف دولت انقلابی، یکباره ۷۵۰ تومان از حقوقش کم شده و اخیراً نیز اضافه کاریش را بریده‌اند.

تنها مرتجعین با آزادی ...

بقیه‌ما صفحه ۱

باز کردن مشت فرمت طلبان و مرتجعینی که با فریب کارکنان و دهقانان و سایر زحمتکاران، خود را انقلابی حامی زنند ولی در عمل در خدمت به تجار و سرمایه‌داران بزرگ هستند، هدف عمده این روزنامه بوده است. ارتعاج حاکم مثل همیشه برای فریب توده‌های دروغ متوسل می‌شود و می‌گوید: "آزادی که از آزادی و دموکراسی حرف می‌زنند، می‌خواهند تحت آزادی باشد، تجار و بازرگان آزاد باشد، دختر و پسر آزادانه در کنار هم لولند و ما با آن مخالفیم. مای گویم این حرفها مال ساسی است که می‌خواهند آزادی و دموکراسی برقرار شود. با بهای این حکومت سراسر ناآگاهی توده‌ها استوار است. چنین حکومتی چگونه می‌تواند صدقانه سخن بگویند و گذارد هر کس آزادیانه حرفش را بزند و گرنه چه دلیلی دارد که آشکارا می‌گوید: "مردم کتا بهار است و بعد: "پنهانی می‌گویند. "آنها را بسوزانید و در این راه از تمام تجربه‌های چند هزار ساله خود سود می‌جویند: "آنها می‌گویند. "آزادی دادیم سو" استفاده شد، پس گرفتیم "آنها آزادی هاسی را که خلقی فرمان ما با مبارزه خونین خود کت کرده است، آزادی اهدائی خود می‌دانند. ارتعاج خود اعتراف می‌کند که به سهانه واهی سو" استفاده از آزادی است که دشمنان مردم برای به سندن کشدن مردم زحمتکار را می‌توانند سوسل می‌شوند تا طبقات حاکم نتوانند مردم زحمتکار را بچاند و عین و عشرت را نصیب خود و فقر و محرومیت را نصیب کسانی کند که کار می‌کنند و نادم است که خود همه نعمت مادی را برای ادامه حیات سرت تولید می‌کنند.

آذرگشت با دینار آما سربازان کینند. حلالی دیگر رشود سرداری، بزنگ سارستان راه علت درمان‌گردهای محرومی که به بیمارستان آورده بودند به حومه امداد برده است. ۶۸ عمر اهالی بنگاه روسای فارتان انتقامی جان قتل عام کردند. آ تا کز مطوعات از د بود، اگر تلویزیون صحنه این جنایات را نشان می‌دهد، اگر سازمانهای سیاسی حق معالمت علمی را دارند، ارتکاب چنین جنایاتی مسرود؟ مردم تسوی دهان اسپهالی زند، اگر آزادی سود، اگر مطوعات آزاد بودند، اگر سرد راد یوتولیریون سامور نبود، کجکسا می‌توانستند هر چه می‌خواهند بکنند ولی مدارش در نماند. کتار روزنامه اطلاعات یک عکس از صحنه اعدام انقلابیون برایش اخطار به کنی فرستاد که ابتکار خلاف شرع و خلاف مصالح جمهوری اسلامی است. چرا که اگر مردم بگنند مادر کردستان چه کرده ایم، ملوا برپای می‌شود. این است علت اصلی ساسوزی که برقرار کرده‌اند. هیات حاکمه "هرض" مطوعات آزاد را وابسته به اسرائیل حرف می‌کند و بازرنگی حرفه‌ای خود با نظور و نمود می‌کنند که عظیم مطوعات آزاد به خاطر وابستگی آنها به صهیونسم بین المللی بوده‌اند و گرنه آنها هیچگونه هراسی از سندن اشجس از کارخانه حمل سازی پودر و برداری خود اسناد و مدارک دفنی سرون می‌کنند. در مورد سار روزنامه‌ها و نشریات چه می‌گویند و اصولاً چه می‌توانند بگویند؟ آنها درباره روزنامه کارچمه می‌توانند بگویند؟ روزنامه کارچول مدت اینستار خود به جوسی سان داده است که از منافع چه کسانی پشتیبانی کرده و ماهیت چه کسانی را افشا می‌کند

خود برانگیزد. آنها برای ادامه سرکوب مبارزات حق طلبانه کارکنان زحمتکاران و همه خلقهای ستمدیده ایران، می‌بایست اول روزنامه‌ها را تعطیل می‌کردند و دفاتر سازمانهای سیاسی را می‌سند و تلویزیون را عده می‌کردند تا کسی مدارش در نماند تا ما با مردم از جنایاتی که قرار بود در کردستان مرتکب شوند با خبر شویم هنگامی که خلق ما را ز گردن حقه خود رامطالبه می‌کند و بران پای می‌مشاور هیئت حاکمه به جای بر آوردن خواسته‌های آنان به فتون کنی نظامی و خغه کردن صدای مردم کردستان به روز توپ و تانک و مانوم متوسل می‌شود. آنها درباره سرکوب خلق کردار هیچ وحشیگری بود دفنی فرودگار کردند. بهترین فرزندان خلق کردار سده‌ده بدون محاکمه به حوضه‌های امداد سپردند و خاطره وحشی گری های جلادان را با مهربی رازنده کردند. آنها بیکر سه حسان و خونین رفیق شویدها هیدراری برانگار د به میدان تیر بردند و چنانچه عکسها نشان می‌دهند روی برانگار د تیرسار کرده‌اند. آنها سری را روی برانگار د به میدان سیر بردند که رایت شکنه قادر بوده است روی ناهای خود سائسد. او را خوا باندند و سربازان کردند. آنها زبان گرد را "اسر حرسی" شرد و تحسار و به آنها را تحت پوشش فاسس شروع حایر شردند. اساداران اعلان ساسینه کودگار، ترمس سرانگاری کرده‌اند شیخ حلالی، آذرگشت دارایی، کودک ۱۲ ساله را مجارب اجداد و معصی الارض ساخته و او را اعدام کرده است. شیخ حلالی، در سفر درجن باز جوسی از آذرگشت ۱۲ ساله و فحاشی و توهین کرد و آذرگشت در حالی که دستپا شراسته بودند به روی حلالی تفت می‌کنند. حلالی، با جوشی رافطم و دستوری دهد

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

انتشار خبرنامه شاخه خوزستان سازمان چریکهای فدایی خلق

● دستگیریهای متعدد عناصر آزادپخواه
و مبارزین در اهواز

اولین شماره "خبرنامه شاخه خوزستان" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز جمعه هفت شهریور ۵۸ منتشر شد. در سرمقاله این خبرنامه می خوانیم:

"... ما بر آنیم که کتابهای می توان به تاراج داد و کتابفروشی ها را به آتش کشید ولی اندیشه راهزنی، خلقی، هارامی، تان به خاک و خون کشید و لوسی اسارت ملت هارانی می توان همیشه کرد. ششتر "داموکلس" قانون ضدکارگری را می توان دگر یار بر فراز سرکارگران آوزبان کرد ولی "کار" را نمی توان دگرگامی در محسن سرمایه نگاه داشته رهائی حلی هارستم ملی و کار از قبیل سرمایه و بیروزی آگاهی بر ارتجاع و خلقی بر امیرالزم، ضرورتی است که نیروهای راسته به ارتجاع اگر چه ناخواسته و جبراً در بار بود به قبول آن تن خواهند داد. این خبر تاریخ است و ما نیز این گفته رفیق کسیر "هونی من" را نیک به خاطر داریم که سن ما و امیرالزم دره ژرفی است که می یاست با خاکستر ما برگرود. از مرگ چه باک؟ آنجا که مرگ بنشارب آزادی است و خون بنز آگاهی، مسا فداشای خلق جان بر سر این باور خوش گذاشته ایم...

انتشار این خبرنامه گام مهمی در جهت رساندن خبر، در شرایط اختناق کنونی به گوش زحمتکشان می باشد. در این خبرنامه خبرها و مسائل از دستگیری های آزادپخواهان در اهواز آمده است که در زیر می خوانیم.

دستگیری یک رفیق فدائی یک فدائی خلق به نام شجاع الدین شکران از روز دوم شهریور در اهواز توسط مأمورین کمته دستگیر شده است. او که سابقه طولانی مبارزاتی علیه رژیم شاه خائن دارد و در این راه متحمل شکنجه ها و سزاها شده بود، بدون هیچ جرم و انتهای در بازداشت به سر می برد. ماضی اعتراض به دستگیری او خواهران آزادی هر چه سریعتر این مبارز فدائی هستیم.

کارکنان پیشگام مخابرات:

تلفن ها کنترل می شود

کارکنان پیشگام شرکت مخابرات در بهانه ای که مدعی پیش منتشر کردند فاش ساختند که تلفن های مردم مانند سایرین سیاه گذشته کنترل می شود و وسایل ارتباطی ساواک (تلفن، تلکسی بی سیم خصوصی، اف، ایکس و سایر مدارات) دست نخورده باقی مانده و مشغول به کار هستند.

کارکنان پیشگام شرکت مخابرات نادآورندند: ساری از مدیران کل و روسای خائن وفادار مخابرات که همکاری نزدیک ساواک داشتند و در زمینه های ارتباطی و مخابراتی به ساواک کمک های مونس می کردند، همچنان سرکار هستند و همان خدمات را برای حاکمیت موجود انجام می دهند. در سانس کارکنان پیشگام مخابرات هم کاری وعدم قاطعیت شورای عمومی

کارگران دماغی تریبیز:

اداره کار حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید

کارگران دماغ و حلاج عضو سندکای کارگران دماغ برای گرفتن حداقل دستمزد که از طرف اداره کار اعلام شده و بحثنامه مربوط به آن نیز صادر شده است، تاکنون چندین باره کارفرمایان اداره کار و استانداری کمیته های اسلامی مراجعه نمودند ولی تا امروز هیچ بولسی باب جمعوتنه به آنها داده نشده است. دستمزد کارگران دماغی خیلی کم است. و اخیراً از طرف دولت اعلام شده است که حداقل دستمزد کارگران سایدکمتر از ۷۶۰ ریال باشد و ما به التفاوت طلب کارگران بر این اساس فروردین سال

کارخانجات مهمات سازی با حداکثر ظرفیت کار می کنند

کارخانجات اسلحه سازی و مهمات سازی در یکی دو ماه اخیر وبه ویژه پس از وقایع کردستان با ظرفیت زیاد مشغول کار هستند و نیروهای سرکوبگر ضد خلقی که در دولت ارتش نفوذ دارند برای تولید بیشتر فشازهای برای بر کارگران و کارکنان این کارخانجات وارد می آورند.

بسیاری از پرسنل انقلابی این کارخانجات که در جریان قیام همراه بنا مردم بودند و با اعتقاد و کم کاری سطح تولیدات نظامی را پایین می آورند امروز با این مسئله روبرو هستند که دولت ارتش این همه تجهیزات و مهمات را برای

چشمی خواهد؟ در حالی که بسیاری از کارخانجات صنعتی و تولیدی تعطیل هستند و با یکبومواد اولیه روبرو می باشند، چه دلیلش دارد که کارخانجات مهمات سازی با ظرفیت زیاد به کار مشغول شوند و مواد اولیه شان نیز به راحتی تامین شود؟ (لازم به یاد آوری است که بیشتر مواد اولیه این کارخانجات از امریکا تامین می شود).

بر اساس یک خبر رسیده هر قسمتی از کارخانجات مهمات سازی مطمنت آسپاه روزانه ۹۰۰۰ جعبه فشنگ و ماده پرتاب است. توجه مواد و لوازم جنگی ساخته می شود در سالهای گذشته این کارخانجات روزانه ۳۰۰۰ جعبه فشنگ می ساخته. یعنی در حال حاضر تولید آن سه برابر شده است.

گزارشی از زمین مردم محب شهر به عنوان اعتراض به دادگاه انقلاب اسلامی

از روز شنبه ۳ شهریور ۵۸ مقوله های به درود بیورشهر چسبانده شده بود. دایره براینکه برای اعتراض علیه دادگاه صدرمدعی مسئولان این شرکت که با ساواکی های جدید همکاری می کنند، عدم همکاری در تصفیه و اخراج روسای مرتجع پیشین و انتشار اسامی ساواکی های فدایی که دوباره مشغول توطئه و فعالیتند های تازه شده اند. کارکنان پیشگام مخابرات از اعموزم کارگران و کارمندان خواستند با شکل و بیکارچگی علیه مردوران و مسئولان ارتجاعی و ضد مردمی که تنگ همکاری با ساواک قدیم و جدید برپشتانیان حورده است مبارزه کنند. ضمناً گروهی از کارکنان مخابرات در بهانه ای که اخیراً منتشر کرده اند به نیروهای انقلابی و هواداران آنها با یادآورنده آنکه هنگام استفاده از تلفنهایی که امکان کنترل آنها می رود رعایت نکات امنیتی را بنمایند.

کارکنان دماغی تریبیز: اداره کار حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید جاری بیکارپرداخت دارد. اما کارفرمایان هیچکدام حاضر به پرداخت ماهه التفاوت حداقل دستمزد از اول سال جاری نیستند کارگران می گویند: "اداره کار بدتر از گذشته کار می کند و بحثنامه های خود را برپا می گذارد و هیچ وجه هم حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید. از طرف استانداری هم بیکار بازرسی آمده و بعد از تحقیق سه اداره کار دستمزد داده است که به شکایت مازیدگی کند ولی اداره کار تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیاورده است

روز یکشنبه ۶ تیرماه ۵۸ تمام خانه های محبشهر به حال تعطیل درآمد. جوانان و تعدادی از کارگران جوان که ۵۰۰-۴۰۰ نفری شدند از میدان شهر حرکت کردند و سپس در سه راه وسط خیابان تخمین کردند. امام جمعه شهر شادبادی که برای بهم زدن تخمین آمده بود، وقتی شنید که مردم اطلاع دارند که وی ۱۵ روز جیلاد شهادی عجیبشهر را در خانه اش قایم کرده بود، به سرعت فرار را برقرار ترجیح داد. شعارها بیشتر در اطراف میدان مرکزی ملی گوشه و گوشه فراموشان دور می زد.

بقیماز صفحه ۸

عزیزترین فرزندان خلق را به جوخه های اعدام ...

طبقه کارگر، این ستاد رزنده کارگران پیش از پیش گسترش داد. سعید اعتقاد داشت که "می باید با بنفشه جامه پیوند با هم " او به سوت کارمندی در کارخانه را با با موختن و آموزش دادن پیوند می زد. چرا که اعتقاد داشت اقدام انقلابی بدون تئوری انقلابی راه را به براه می برد. در این هنگام رفیق سعیده به شسر خود کرمان بازگشت و در نخستین اقدام دروفین کارگران که از ناآگاهی واحساسات مذهبی توده های زحمتکش، درجهت تحقیق هدفهای ارتجاعی و ضد مردمی خود استفاده می کنند، مبارزه می یابند. اینها را از جانب توده های نیروهای مرتجع شهر در معرض موجی از حمله و تهمت واقف شد و بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما سعید را که با مردم همسان خونین بسته بود از این همه تهمت و تهمت واقفتر ترسی نبود. او می گفت؟ من عقیده ام را زدن دغمه های تاریک و مربوط روستائیان و دستهای پهنه بسته کارگران میهن گرفته ام و به خاطر عقیده ام می جنگم و با هم می جنگم. این جواب همیشه می بود به زما سدااران کنونی و مشت مرتجع طلوم الحال ...

سعید آخرین بار در جریان بخش اعلامیه، توسط افراد مسلح کمیته ام کرمان دستگیر و مورد بازجویی قرار می گیرد. و علیرغم شکنجه آزار و شکنجه استقام می شود حتی نام خود نمی آید. امتناع می ورزد و پس از دو هفته آزاد می گردد.

پس از هائی از کمیته، فعالیتهای انقلابی خود را از سر می گیرد. تا اینکه شنبه ۲۷ مرداد ۵۸ در جاده کرمان - باقر آباد وقتی که باوانت باری که با آن کار می کرد از نزد کارگران بازمی کشد، توسط افراد کمیته امام، ترور می شود. جریان ترور او به شرح زیر بود: سعید افراد کمیته امام با ماشین میب استیشن، جلوی اومی سپهبد و او را اداره توقف می کنند. سپس آتش رگبار مسلح بوزی راه روی او بازمی کشند. آنجا یکی از افراد کمیته شقیه سعید را با کلت همد می گیرد و آن را ماشینی می سازد. ساعت ۹/۵ همان شب افراد کمیته ملی برادر سعید را دستگیر می کنند و به خانه سعید بوش می برند. در خانه تعدادی کتاب، مکتوباتی از فدائیان خلق شهید، یک ماشین تایپ، مقداری مرکب مربوط به ماشین تکثیر، مقداری باروت، گلیسرین و گوگرد بود که همه آن به عنوان مدارک جرم ضبط می گردد. افراد کمیته خصوصاً تمام مدارک شناسایی سعید را با خود به کمیته برده همه را از بین می برند. توگوشی با زمین بدون تعدادی اوراق شناسایی، قادرند نام سعید را از خاطره ها پاک سازند.

در روز پنجشنبه ۲ شهریور ۵۸ ملی برادر سعید، به اتهام جعلی ارتباط با حزب دموکرات کردستان و داشتن اعلامیه ها و نشریات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در دادگاه انقلاب اسلامی کرمان به محاکمه کشیده می شود. دادگاه در ساعت ۲ بعد از ظهر رفیق ملی را به اعدام محکوم می کند، ۲ ساعت بعد، ملی برادر رفیق سعید، به جوخه اعدام سپرده می شود و روزنامه های صبح و عصر تهران خبر اعدام ملی را با اعلامیه های انقلاب اسلامی کرمان، مانند همیشه به شکل تحریف شده ای به چاپ می رسانند ...

گارتنامه سراسر خون و شکنجه و اعدام فدائیان خلق، شرار از این شقایق های گلگون کفن است. خون و شهید و آگاهی تنها هدیه انقلابی فدائیان است به پیشگاه خلق قهرمان ایران، دوستان و دروغین مردم، به قدرت خردبگمان و مرتجعین باید برخورد بلرزند اگر بدانند که در آینده، شهر و روستا از شقایق های مارگین خواهد شد و این بار بسدون کوچکترین شک و تردیدی می گویم ... نام ایمن خود می گویم و دهقانان پیروزی از آن کارگران، دهقانان خواهد بود. این بار پیروزی در انتظار دوستان راستین کارگران و زحمتکشان شهر و روستا است.

سعید در یک خانواده مشایری (بافت کرمان) به دنیا آمد و همراه دیگر همسالانش کودکی را در شرایط سخت بیلاق و قشلاق گذراند. هنگامی که ده ساله بود پدرش را از دست داد و از این زمان همراه برادرش ملی، با سنگین زندگی را به دوش گرفت. سعید ضمن کار، تحصیل را هم ادامه داد. او که مدتی در کار چوبانی بود از شرایط نامساعد زندگی چوبانان و زحمتکشان روستا تاثیر پذیرفت و نخستین باره های آگاهی سیاسی و طبقاتی در این دوران در او درخشدن گرفت. سعید خیلی زود به فعالیتهای انقلابی کشیده شد و کار سیاسی را با علاقه آغاز نمود. موقعی که در کلاس چهارم و پنجم متوسطه بود، هسته های مطالعاتی را در مدرسه "شهاب" و "دانش" کرمان سازمان داد. در این سالها او در هر فرصت مناسب برای کشاورزان و چوپانان کتاب می خواند. بهیچری و شور انقلابی او تا آنجا بود که در سال ششم متوسطه سعید را از دبیرستان اخراج کردند که با اعتراض همگانی هایش مواجه گردیدند. سعید تحصیلات متوسطه را در کلاس های شبانه به پایان رساند و در تربیت علم کرمان به ادامه تحصیل مشغول شد. در سال ۵۴ وارد دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران شد و از آنجا بود که در سال اول از چهره های سرآمد مبارزات صنفی و سیاسی دانشجویی شناخته شد.

او در سال دوم دانشکده، در اوایل سال ۵۶، از دانشکده دست کشید و برای بالا بردن سطح آگاهی کارگران روانه کارخانه هاشد. سعید با تشکیل محفل کارگری - روشنفکری - ابتدا در کارگاههای کوچک و کوره بزخانه ها و سپس در کارخانه الکترود ... فعالیتهای سیاسی و انقلابی خود را با این گری کرد. او می گفت: کارخانه تبار باورنی است که با خون و فقر و شکنجه عمیق شده و فاجعه انقلابی آن رهائی تمام خلقهای تحت ستم را تضمین می کند.

سعید از او اوسط سال ۵۷ نطفه های فیام قهرآمیز مردم در شرف تکوین و تکامل بود، با بصیرت سیاسی بر اساس تحلیل شخصی که از اوضاع داشت به این نتیجه رسید که مرکز نقل مبارزات کارگران اکنون از کارخانه ها به پارکاد های خیابانی انتقال یافته است و تحت چنین شرایطی پیشنهاد انقلابی موفف است به تدارک تشکیلاتی و سیاسی نظامی قیام برداشته و در ارتقا سطح آگاهی توده های قیام کننده بکوشد. هدفهای انقلاب را به توده کارگران و زحمتکشان بنشانند و دشمنان انقلاب را افشای سازد و با طرم شعارهای ضروری به مثابه دیده بان و چراغ راهنمای قیام توده ها اقدام نماید.

رفیق سعیده حکم همین درک خلاق، همدون خلقی قهرمان میهن فضالانه در قیام شرکت نمود. در شهریور یادگان محتر آباد و دیگر یادگانهای تهران نقش موثری بر عهده گرفت. اوسه شبانه روز در سنگر "میدان فوزه سابق" با دشمنان قیام توده های زحمتکش جنگ کرد.

امازمانی که میوه چمنان انقلاب در آن هنگام که قیام شکوهند مسردم زحمتکش می رفت تاهر بنیاد پالمانه را برپا دارند، در دانه به سوی قدرت خزیدند در آن هنگام که با استفاده از احساسات مذهبی مردم، شروع به فریب مردم کردند و تا بودی دستاوردهای قیام، یکی پس از دیگری آغاز شد. آن هنگامی که سرکوب کارگران، دهقانان و روشنفکران انقلابی، چهره پوشیده به قدرت خردبگان را آشکار ساخت، رفیق سعید به جای سوزیدی، بهیچرانه کبر به مبارزه ای ایمن بست. او با شناخت ضعف های اساسی قیام بهمن ۵۷، این باور دیرین خود را به خدمت گرفت که "بگانه راه رهائی از ستم امیرالیم و همدستان داخلی آن بسج توده های تحت ستم به رهبری طبقه کارگری باشد". بدین ترتیب بود که رفیق فعالیت سیاسی - تشکیلاتی خود را در میان کارگران جهت ایجاد حزب

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

کار

محمد مکرری با دروغ پردازی های خود ...

بقیه از صفحه ۱

آقای مکرری هیچ معلوم نیست چرا در میان عهده ای قدرتی به سائل کردستان علاقه مند می باشد - بهتر از سایر عهده های بی سرنوشت هم رزم مش خود را با یک گروه ماهیست خود را که صدمت با مردم زحمتکش است به ما نشان گذاشته و می گوید "در اینجا باید تصریح کنم که هیچک از مردم واقعی کردواهاالسی تهرها و تحصیل کرده ها و محترمین و حتی بازاریان شهرهای کردنشین در اغتشاشات اخیر منطقه با عوامل توطئه گریه همکاری نداشتند و تنها عده ای از روستائیان ناآگاه منطقه بودند و عده ای از بیست - مرگان حلال طلبانی که از رزیم با شیخ عزالدین حسینی طرز تفکر واحدی دارد به همراه عوامل دکتر محمود عثمان که عزانی است و اخیراً نیز در کرج سکونت داشته است و پسران ملاصطفی بارزانی او را به جرم همکاری با حکومت عراقی اخراج کرده بودند ، در جریان منطقه فعالیت داشته اند ... (تا یکداز ماست)

(اطلاعات ۱۵۹۵۲-۲۲ شهریور) در این کلمات صدمت ایشان با روستائیان زحمتکش به خوبی آشکار است. روستاهای کردستان و زحمتکش نیستند؟ بنظر دکتر مکرری چون دهقانان کردستان از حقوق خود دفاع می کنند " ناآگاه " و عوامل صهیونیسم هستند ایشان معتقد است که هیچک از مردم واقعی کردبان نیروهای مبارز و انقلابی و با خلق کرده همکاری نمی کند . اگر چنین است اعدام ، عطفین ، پزنگان و روستاگران کردستان در دو هفته قبل برای چه بوده است . اگر مردم زحمتکش شهرهای کردستان حرف شمارا قبول دارند پس اعتراضات عده ای آنها در همین چند روز که شهرها حالت فوق العاده نظامی دارد بر سر چیست ؟ تعطیل بازارها ، خانه ها در مهلباد و سایر شهرها برای چیست ؟ آقای مکرری " محترمین " کردستان را از همکاری با " عوامل توطئه گریه " سیرا دانسته و " تنها عده ای از روستائیان ناآگاه " را مسبب اغتشاشات اخیر منطقه " معرفی کرده اند . چرا که در نظر آقای مکرری محترمین همان پولدارها ، اعیان و اشراف تجار و عروف و زمینداران بزرگ هستند و این همان شیوه مرتجعین تاریخ است که دهقانان زحمتکش را " یک مشت دهاتی بی سربا " می نامد و از یلاکس و فتوودالها با عنوان " محترمین " یاد می کند .

آری ، آقای مکرری در کردستان " محترمین " که شما از آنها دفاع می کنید چنانچه خود اعتراف کرده است " پولداران ، فتوودال ها ، تجار بزرگ ، سرمایه داران و استو بطور کلی مناصب ریاست به طبقات حاکم هستند و پرواضح است که در کنار شما قرار دارند و جمهوری اسلامی شما را می ستایند ، و همان روستائیان که شما " ناآگاه " می نامید و شما شایسته احترام نمی دانید .

ما نیز معتقدیم که " مردم واقعی کرد " در اغتشاشات " نقشی نداشتند و لسی می دانید چرا ؟ چون این " اغتشاشات " به وسیله ارتش ، سپاه پاسداران و پوه راهنمایی زما مداران جدید صورت می گیرد و اینها هستند که علیه خلق کرد " توطئه " می کنند و گناه " مردم واقعی کرد " و توده های دهقانی و روستاگران و حتی بخش زیادی از بازاریان کردستان این است که از حقوق خود دفاع کرده و می خواهند مبارزه ضد امپریالیستی را پیش ببرند . آقای دکتر مکرری اینها حقایق است که شما نمی خواهید برای مردم توضیح دهید زیرا طرفدار مرتجعین هستید و این حقا بقی مشت شما و همان " محترمین " را که شما از آنها دفاع می کنید باز خواهد کرد .

بقیه از صفحه ۱

آمر است . مع خود را نکودود در اس راه ه هر سله ای موبل می بود و میهن س اهرمهایی که امروزه کار می کرد ، کسی محمو بوده ها و دیگری سرکوب نیروهای انقلابی است و رسمه ساری های فتون - کسی که کردستان و کسار خلق کردنسر گواه جیس سیاسی بود . لذا اگر قبول کنیم که سروسه مبارزه در کردستان بیبندی س عسق با سرونوت جنبش ترقی حواه تمام حلقه های اسران دارد . سرتصادف انقلابی است که به حمایت از مبارزه حق طلبانه خلق کرد بر حیزم اس نهایت مرصت طلشی است که در موصگیری های سیاسی شهاب اس عبارت کلی و مرصت طلشانه فاع کسم که ماز سار را از حق طلبانه خلق کرد حمایت می کسم .

مبارزات حق طلبانه خلق کرد تحت رهبری نیروهای سیاسی سازمانهای سیاسی خاصی با مضمون و محتوا سیاسی مشخص صورت می گیرد . امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد . تحلیل های استراتژیک یک ماسی برای یک دوره انقلاب دو مکرراتی خلق چه افشار و طبقاتی باید پشت پرولناریف صف بندی کنند ، چه نیروهای باید بی طرف شوند و کدام یک باید سرنگون شوند ، هواره در بر نامه سیاسی و تاکتیک صورت اتخاذ یک سیاست مشخص نسبت به سازمانهای سیاسی وابسته به آن افشار و طبقاتی در خواهد آمد . یعنی تحلیل استراتژیک در نهایت وقتی در عمل خواهد به کنار سته شود به صورت اتحاد با سایر نیروهای ترقی که در سازمانهای سیاسی خود متشکل شده اند در می آید . بصورت گوشش در راه منفر کردن نیروهای خبیات پیشه و سازشکار ، تصفیه آنها از صف نیروهای خودی و به صورت مشخص کردن دشمن عمده در هر مقطع مشخصی در می آید . کمال سادگی و نادانی است که در مبارزه طبقاتی به ویژه در انقلاب دو مکرراتی کسی که از مانیستند حتی تا دشمن عمده را محسوب شوند و با کسانی که با دشمن عمده مانیستند حتادوست ما به حساب آیند . استالین در این زمینه تا آنجا پیش می رود که استراتژی را " محبت و آرداوردن صربه اصلی پرولناریف " می شمارد و مضمون این صربه راهم " منفر کردن نیروهای می داند که باید منفر د شود . در مورد مشخص کردستان هم باید یکوقت روح فرصت طلشی و رباکاری آن است که از مبارزات خلق کرد دفاع کنیم بدون آنکه مشخص کرده باشیم این مبارزین چه کسانی هستند و آزار چه کسی دفاع می کنیم . ما معتقدیم که دفاع از تئوری مانهنگی جمعیت های سیاسی خلق کرد ، یعنی فداشیمان ، حصیت زحمتکش کرد و دیگر مکررات در شرایط کنونی و طیفه تمام نیروهای انقلابی و مبارز و به جنبش ترقی خواه خلق است . باید با صراحت و صداقت این طیفه را شناخت و بدان عمل کرد . هر نوع طفره رفتن از این موضع به همدلی که باشد فرصت طلشی و گرفتار شدن بردارم ارتجاع است .

موضع گیری کنفرانس چی هلا صریح ترین و با ارزترین نمود ارتجاعی است که در پیش تنز انحرافی و مرتجعانه سوسال امپریالیسم نهفته است . رهبران چن این تئوری را وسیله ای برای توجیه زد و بند و اتحاد خود با امپریالیسم ترین جناح امپریالیستی امپریالیست قرار دادند و امروز کنفرانس چی ها با پیروی از این اراجیف هلا چنانکه می بینیم با ارتجاعی ترین جناح هلا ت حاکم با همانهایی که شعار فاشیستی صهیونیستی " حزب دیوکرات راه خاک و خون می کشیم " همصدا شده اند . غالب است که سازمان بیکار که ظاهر انقش هادی رادر کنفرانس بر عهدہ دار وقت متوجه واکنش نیروهای ترقی در برابر این موضع ارتجاعی دشمن کوشش برای جلوگیری از انتشار و وسع آن و جمع آوری نسخ چاپ شده کوشد تا به نحوی به جبران مسئله بر دازد . چنانکه در نشریه بیکار شماره ۱۸ با حمله به همین شعار فاشیستی کوشید همصدایی سابق خود را با مرتجعین سرکوبگر مورد انکار قرار دهد . و این سار نتایج بین تئوری و عمل را با کتار نهادن تئوری حل کرده و وجه باری از یک سیاست پراگماتست را به نمایش گذاشت .

۱۵۹۵۲ داز

کنفرانس وحدت با موضع گیری سیاسی خود ...

● امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد

بجنگی " می ندارد . ارایس نظر حزب نوده ایران . حزبی که استخوان سدی آن را الحمن معاطفه کاران خرسه تشکیل می دهد دارای هویت ثابت و جانانده ای است . لذا در هر مورد خاص در آینده دراز مدت از قبل می توان دریافت که متناو محور حرکت نوده های هاهمان سیاست لیبرالی است

حزب نوده ایران ارایس نظر حزبی است خان سحت که سالهای سال در عرصه مبارزات طبقات لک لکال به حساب خود ادامه خواهد داد . اما برخلاف آن کنفرانس وحدت

کنفرانس وحدت مفهوم مبارزه طبقات و درگیری نیروها را لمس نمی کند ، چرا که عملاً در چنین مبارزه های شرکت ندارد .

نمی تواند در دراز مدت به تعقیب ایدئولوژیک خود ادامه دهد و چنانکه پیداست از هم اکنون پرسه کشیدن این التقاط و احتصار این عملیاتی که به نام مارکسیسم منوان می شود آغاز شده است . آری کنفرانس وحدت با این دیدگاههای التقاطی خود واقعا دارد " جان می کند " . این کنفرانس برای مدت های مدیده همین شکل رسده خواهد ماند .

گفتیم مبارزه ایدئولوژیک از نظر مارکسیست های واقعی هرگز مبارزه ای نبوده است که به " عالم اولی " مربوط شود و به حیات و مبارزه و مسائل روزمره طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی ربطی نداشته باشد . هم از این روست که مارکسیست - لنینیست ها هواره روی اولیت ایدئولوژیک تا یکدازند و باید موظفند هواره و همیشه صفوف خود را از هرنوع انحرافی و به ویژه از انحراف در اصول بزادند .

وقایع اخیر و به ویژه اوضاع کردستان و موضع سازمانهای مدعی مارکسیسم نسبت به آن بهترین ایته ای است که می تواند نشان دهد چگونه انحراف در اصول

مداقین تنز " سوسال امپریالیسم " اگر واقعا بخواهند به آرمان طبقه کارگر وفا دار باشند راه چاره ای جز بازگشت به مارکسیسم و رد این نظرات ارتجاعی ندارند .

موضع گیری ارتجاعی با فریبکارانه و قد برولتری کشیده خواهد شد . کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر که معتقد به سوسال امپریالیسم و ظاهر ناخی تئوری سه جهان است ، اخیرا بیانه بلند بالایی پیرامون مسائل کردستان انتشار داده که در آن به بارز ترین وجهی ارتجاع نهفته در تئوری سوسال امپریالیسم و جوهر واقعی اش یعنی همان تزه جهان راه نمایش گذاشته است . در روزهایی که ارتجاع حاکم با توپ و تانک و هلی کوپتر و هواپیما به قصد سرکوب نهفت خلق کرد منقول قشون کشی است و در حالی که سازمانهای سیاسی خلق کرد از جمله حزب دیوکرات کردستان زیر شدیدترین حملات ارتجاع حاکم قرار دارند و عملا به عنوان یکسای از نیروهای شرکت کننده در شورای مانهنگی جمعیت های کردستان در مبارزه علیه مردم کشی ارتش و پاسداران در کنار مردم قرار گرفته است ، کنفرانس چی های ما اعلامیه داده اند و حزب دیوکرات را " نیروی وابسته به بیگانه و خیانتنکار اعلام کرده اند .

آنان رهبری حزب دیوکرات کردستان را " عده ای جاوس و وابسته به سوسال امپریالیسم روس " (که اشتهاها شوروی نوشته شده) دانسته اند که " یک سرتوطئه هائی است که علیه خلق کرد طرح ریزی می شود " قبل از پرداختن به مطلب کانیست برای خوانندگان توضیح دهیم که سازمان انقلابی زحمتکش کردستان کسمه دیدگاههایش اساسا مورد تأیید همین کنفرانس چی هاست هم اکنون زیر فشار و انقیات ، به همکاری با همین توطئه گری های وابسته به بیگانه (چقدر کلمات شیبه وازه هائی است که ارتجاع به کسار می برد ، املا خود ارتجاع است که زیر

در سالیهای اخیر صورت مبارزه سا رور موسم ویر صدمار کسسی سوسال امپریالیسم در سطح جیس کمیونستی بطور حدی مطرح بوده است . همانطور که می دانیم علمدار روزمره . ممدردن در ایران حرب نوده ایران و متکسل کننده و بلندگوی نیروهای هوادار لک صدم سوسالیستی و ارتجاعی سوسال امپریالیسم " کنفرانس وحدت در راه آزادی طیفه کارگر " است .

از آنجا که تاکنون حطه مبارزه ایدئولوژیک پیرامون انحراف احمریست به سائل محدود نظری محدود مانده است ، در میان کمونیست در موار ، بی س نعلی سه جنم می جوورد که عموما عده حسیاسی سرمایه داری در تئوری و بطور کلی بدین تر اسخاله محدود اردوگاه سوسالیستی

تبدیل آن به یک اردوگاه امپریالیستی

سوسال امپریالیسم و سوسال امپریالیسم و سایر زحمتکش خلق ما ارتباط ندارد . حال آنکه سوسال امپریالیسم مسئله اصولی نیست که به اختلاف در رزیم یک روزمره نینجامد . سوزبان دیگر چنانچه یک اختلاف " واقعی " در زمینه سائل عام نیست دو جزبان کمونیستی مداوم باید . لاجرم باید لااقل یکی از آن دو جزبان از حیطه حشش کمونیستی بیرون رانده شود . زیرا مارکسیسم می گوید تمام می کند که راهنمای هواره راهنمای عمل است و باید شود تا حقیقت آن (درست بودن آن) طریفه آشکار گردد .

به اعتقاد ما چنانچه جریانهای متعده به تقسیم جهان به " بر قدرتها " و ملل تحت سلطه بر قدرتها (اصطلاحاتی ضد مارکسیستی که نشانیهای منطقی و طنز آلود را با کیفیات جدید کرده سوزواری در مورد تقسیم جهان به متکبرین و مستعمرین ندای می کند) واقعا بخواهند به آرمان طبقه کارگر و آزادی طبقه کارگر (یعنی آنکه به نام خود نهادند) وفا دار باشند جز بازگشت به مارکسیسم و رد این نظرات ارتجاعی هیچ راه و چاره

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی

عزیزترین فرزندان خلق را به جوخه های اعدام می سپارند



رفیق شهید سعید میرشکاری

هم زمان با مبارزان شهرهای کردستان و کتاروس و زحمتکشان و انقلابیون کرد، در دیگر نقاط کشور نیز سرور و اعدام انقلابیون اعدا تازایافته است.

سرور و اعدام دوبرادر انقلابی سعید و علی میرشکاری که در تاریخ شنبه و شنبه ۲۷ مرداد ۲۵ شهریور ۵۸ در شهر کرمان سرب گرفته سونه-جنابانی است که عوامفرسانه زیر عنوان مبارزه با ضدانقلاب، در چهار گوشه سپهر سا- سدس را مباداران کنونی مورب می گرد.

خند میرشکاری چه کسی بود؟ چگونه زندگی کرد و چگونه ترور شد؟

بچه در صفحه ۶

یاد حماسه آفرینان سپتامبر سیاه را گرامی می سازیم

۲۶ شهریور ماه معاد است با سالروز سپاه ساه و این روز در قاموس جنبش های رهاشی بخش و انقلابی یادآور یکی از سهمگین ترین یورشهای انقلاب است. سربرای که نه تنها انقلاب خلق کسر فلسطین، که همه جنبش های رهاش - بخش جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه را تحت تاثیر قرار داد. این روز در قاموس جنبش های ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی سپاهنگی از عکسهای تندترین پیوندهای درون خلقی و تحلیلی گاه عظیم ترین حمله های پایداری تارخ شهادت و به قول فرمانده شهید ابومولی امام، استاده جان باختر و زانو زدن در مقابل دشمن است. این روز همچنین روزی است که به بهترین وجهی ماهیت دشمنان ارتجاع کشورهای عرب و اتحاد عمیق آنان با صامع امپریالیست و صهیونیست ها را نشان داد. جنبش مقاومت فلسطین طی حوادث و رویدادهایی که به سپتامبر سیاه ختم شد با ایستادگی و یورشهای دلیرانه خود نشان داد که از لحاظ ایمن و زندگی برتری های چشمگیری نسبت به دشمنان مرتجع خود یعنی دارو پیروزی های نظامی جنبش مقاومت در آن دوران بهترین گواه این حقیقت است. لکن به دلیل سارنگاری رهبری بسیاری از سازمانهای حرکت کننده در جنبش ها و سینه و بزه عدایل در غلطیدن رهبران آن سازمانها در اوامع مستثنی برانگاز و اعتماد به براساس مبارزه مشترک ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی با توده های عرب تلاش حماسه آفرینان سپتامبر سیاه به ناکامی و شکست انجامید.

مجموعه رویدادهای جهان عرب را از اولین حرکت های مبارزانه جمعی ال عبدالناصر در ریشه مقبول طرح " راجرز " (وزیر خارجه وقت امپریالیسم امریکایی) گرفته تا کشتارهای توطئه گرانه مرتجعین اردن در سپتامبر سیاه، حرکت و نغمه های سلم طلبانه رژیم سوریه، اقدامات حیانتکارانه سادات، جنگ های خانگی لبنان و تجاوزات ارتش اشد ملیه فلسطینی ها و نیروهای مترقی لبنان و جنگ افروزیها و توطئه های نوم ارتجاع لبنان اعم از فاشیستهای مسیحی و سایر مرتجعین و توطئه گران لبنانی و تجاوزات هرروزه اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه های هر روز نیروهای مرتجع همچون جنبش امل و تحریکات صهیونیستی جدیدی چون سعید حداد و بالاخره طرح توطئه آیز خود مختاری یوشالی کرانه غربی را باید سلسله بهم پیوسته ای دانست که سرمایه داری مرتجعین کشورهای عربی در اتحاد با امپریالیسم و متحدین صهیونیست آن برای غارت توده های زحمتکش عرب یعنی کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان شهرها و روستاهای کشورهای عربی و بطور کلی زحمتکشان سراسر جهان طرح ریزی کرده است.

این روزها جنوب لبنان شاهد جنایات مرتجعین فلائو و همدستان صهیونیست آنان است. جنایاتی مشابه آنچه که در اردن ۱۹۷۰ گذشت و بی شک جنبش فلسطین با درس گیری از تجارب سپتامبر که بهای گزافی برای آن متحمل شده است سرانجام از میان این سیل دود آتش و خون، همچون خلق قهرمان ویتنام پیروزنده سر خواهد آورد، تنها بدین شرط که تحت یک رهبری انقلابی و وفادار به آرمان خلق، با اتکا به پیوندهای عمیق با توده های بدینسان و خلقهای سایر کشورهای عرب و بطور کلی همه نیروهای مترقی خواه جهان و به بهر مبارزه ای به گویانه علیه مرتجعین آن کشورها و همچنین با پاک کردن صفوف خود از خیل نیروهای ساری سازشکار (نیروهایی که به جای اتکا به توده های متکشان جهان و به ویژه جهان عرب به بهره گیری از تضادهای بین مرتجعین عرب دلخوش گردند) و از طریق یک جنگ صبورانه توده ایست که می تواند از تکرار فاجعه سپتامبر جلوگیری نماید و راه پیروزی نهائی خلق فلسطین را بر صهیونیستهای اشغالگر و متحدین امپریالیستش بازگشاید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکای نابود باد توطئه سازشکاران و مرتجعین عرب علیه خلق فلسطین پیروز باد جنبش قهرمانانه مقاومت مسلحانه خلق فلسطین

بخاطر شرکت در سرکوب خلق کرد

گارد جاویدان مورد تقدیر و ستایش ارتجاع قرار گرفت

کمتر کسی است که از علت به وجود آمدن " گارد جاویدان " و نحوه انتخاب افراد آن بی اطلاع باشد. این گارد برای حفاظت از گام های سلطنتی بوجود آمد و افراد آن از میان سرسپرده ترین نوکران رژیم شاه دستچین می شدند و مدتها در مورد جد و آبا آنها تحقیق می شد تا تازه مدت ها نیز در معرض آزمایش بودند. تا مبادا در سرسپردگی آنها به شاه در جای شک و شبهه باقی باشد. آنها نیز سرسپردگی خود را به ه و رژیم آن کاملاً و به وفات نشان داد و در بر جسته ترین نمونه آنها طبرح کودتای آنها اقدام به اجرای آن در روز ۱۹ بهمن ماه سال گذشته بود که با عمل قاطع توده مردم علمبرغم میل رهبران

بازگشت افراد لشکر یکم از ارومیه خبرگزاری پارس گروهی از افراد لشکر یک گارد جاویدان سابق که برای سرکوبی ضد انقلابیون و توطئه های حزب منحله دموکرات کردستان و همکاری با افراد لشکر ۶۴ ارومیه به این شهرستان

یاد رفیق فواد سلطانی فرزند دلیر خلق زحمتکش کرد گرامی باد

بلندگوهای تبلیغاتی رژیم خسر شهادت رفیق فواد مصطفی سلطانی را طی درگیری های کردستان، مختصراً اعلام کرد. شهادت همچون سایر همزمانش تا آخرین نفس به آرمان زحمتکشان وفادار ماند و سنگر به سنگر با ارتجاع و امپریالیسم مبارزه کرد. او چه آنکه که ارتجاع و حاکمیت وابسته در چهره شاه جنایتکار و ارتش و سایر ارتجاعی فاشیستی آن عمل می کرد و چه این بار که در چهره جدید مرتجعین کشور دل و خیانت پیشه ظهور نموده همان ارگان راهم به خدمت گرفته به سینه برخاست رفیق فواد فرزند خانواده مبارزی بود که اکثر افراد آن در زمان رژیم گذشته به خاطر فعالیت های انقلابیانشان با راه و باها به زندان و شکنجه کشانیده شدند و سیم خویش را همدوش سایر مردم ایران در سرنگونی شاه داد کردند. وقتی ارتجاع متعصب با جنگ انداختن به دستاوردهای انقلاب به حاکمیت رسید و یورش در دشمنان خویش را علیه انقلابیون و خلقهای تحت ستم و مبارزان ایران آغاز کرد، سلطانی ها در صف مدافعین انقلاب به مبارزه خود ادامه دادند. دین از ابراداران رفیق فواد به نامهای حسین و امین به دنبال اشغال نظامی میروان به جرم دفاع از آرمان زحمتکشان همراه با دهها زنده دیگر که فوج اعدام فاشیست چنانکه سر برده شدند رفیق فواد نیز یک هفته بعد از شهادت برادرانش طی درگیری با ساداران به شهادت رسید. او در راه پایه گذاری ایرانی آزاد و مستقل ایرانی دموکراتیک و متحد مبارزه کرد و شهادت همچون شهادت هریزمنده دیگری الهام بخش مبارزین انقلابی خواهد بود.

تهدید و ارباب

کارکنان بیمارستان مهر

در بیمارستان مهر در تاریخ ۲۰ شهریور ۵۸ یکی از اعضای شورای اسلامی دکتر ضریبی که دارای چهار دانشکده دانشگاه هاروارد می باشد به قصد کشتن می زند و تمام دکترها بر سر تارها را تهدید می کند که هر کسی اسلامی رفتار نکند، سرنوازش می شود. سرپرستار یکی از بخش ها گفت: " در این بیمارستان اسلامی از چند نفر کارکنان که تشکیل شده و کار سازاگر انجام می دهد. مدتها فکار کارکنان بیمارستان حق ندارند حتی کوچکترین حرفی از حقوق عقب مانده و پاداش است اضافه کاری بزنند. آنها را در هر مقامی که باشند، تنگ می زنند. یکی از کارکنان زن می گفت: " به ما گفتند که آنها نمی گذارند حقوق شما را بدهند، برای همین آنها را می زنیم."

کردستان از ناحیه پاره آغاز شد. چنان محبوس و وحشتی فراهم نمودند که هیچگاه آریا مهر سفاک هم به عقل ناقص نمی رسد. از پادگان سنندج گروهان ۳ گردان ۱۸۷ به پاره امیرام شدند ولی درست همان روز ۲۸ مرداد ۵۸ تعداد چهار فرزند هواپیما عده ای نظامی را در فرودگاه سنندج به پاره نمودند و بعد نظامی ها را سوار اتوبوس کردند و از وسط شهر ناپیش واره به پادگان فرستادند. فرمانده سران و سب چهارراه - که در اثر ترافیک همیشه سنگین آن توقف اجباری است - از ماشین به پاره شد و برای مردم نطق کرد. که برای برادر کشی نبوده ام. ما می دانیم شما هم سلفان هستید. مارا گولیده اند. سران آموزش دیده با طرح قبلی اسلحه هارادوستی تقدیم نمودند و این بهانه رژیم بود برای حمله به سنندج چنانچه یورشهای نظامی را آغاز کردند و نوازگار شهربانکه از وسط شهر عبور داده اند؟ چرا اسلحه ها به ما نه سوزن داشت و نه خناب؟ آیا غیر از این است که می خواستند مردم اسلحه هارادوستی کنند ولی قابل استفاده هم نباشد؟ مفتی زاده این مرتجع خود فروش چون شایع بود که شاه در روز ۲۸ مرداد می خواهد برگردد، ارتش را را احظار کردم. او دلیلش را آورد که چرا در دست روز ۲۸ مرداد ارتش را احظار کردند نه قبل از آن. رادیو شهر آن گفت:

" از مسجد جامع حبر رسید که زنان مارا حزب دموکرات به گروهان برده و شهر را محاصره نموده پادگان را آستانه خلع سلاح است. هوسوم به سنندج همزمان شد با هجوم پادگان. درست همان روز همان ساعت به دیوانه و ابرانشاه سفر. در سنندج کسی مقاومت نکرد. ماهیت توطئه از قبل برای همه نیروهای سیاسی و آگاه شهر روشن بوده ولی در بقیه نواحی مردم به مقابله برخاستند. در سنندج نیروهای مفتی به عنوان معاصر برای پادگان شروع به عقب با نگرانی و بهایان بستن کردند و عده ای از مردم راه اسارت بردند. زنان تحمیل کردند و لکسی پادگان را انقلاب اسلامی با شلیک هوایی و اسلحه قنداق تنگ و غلنگ آب، زنان را از اسارت نجات دادند و آنها را به دادگستری آوردند. شب بعد پادگان به یک موتور سوار در خیابان وسط شهر فرمان ایست دادند که او نشنیده بود و آنها به گلوله اش بستند و بعد یک تنگ زد - ۳ درد شد که داشتند که کسی مقاومت کرده با حمله نموده است. وقاحت به حدی بود که قابل تحمل نبود. مردم پس از دفن کردن جنازه به تظاهرات پرداختند و با شعار " پادگان ازمای اخراج باید کرد " و " نیروی مفتی خلع سلاح شود "

به خیابان آمدند ولی از مسجد جامع و از سوی پادگان گلوله باران و هجوم آغاز شد. چهار نفر زخمی گشتند و عده ای را دستگیر کردند. شب بعد دادگاه عدل خلیفانی برپا شد و ۹ زنده سنندجی را بدون آنکه تیری به سوی پادگان و ارتش شلیک کرده باشند، بدون آن که کسی از اعمال رژیم را گفته باشند، اعدام نمودند. وحشیانه ترین طریقی اعدام ممکنه. فدائی شهید احسن نامید را در خارج از شهر، دوروز قبیل از تظاهرات دستگیر کردند. رفیق مبادرت به فرار نمود. او را با تیر زدن و بعد او را روی برانگارد بیمارستان در حالیکه با سوزن گه گرفته بودند دست راستش را شکستند که شسته بود و سینه و کمرش کبود بود. اعدام کردند. فدائی شهید جمیل به خلیفانی که همراه رفیق احسن دستگیر شده بود و بر اثر ضربات قنداق تنگ قادر نبود راست بایستد اعدام شد. هفت زنده دیگری که به شهادت رسیدند وضع بهتری نداشتند. عدل خلیفانی به حدی بود که نگذاشت پای رفیق احسن خوب شود. تا حد اقل در لحظه اعدام نتواند برای خود بایستد. حتی این سفاکی را رژیم آریا مهران هم نکرده بود.

حقایق دیگر از جنایات ارتجاع در ... میروان

در میروان ارتش سطر سده بعد کشت خانه به خانه را آغاز کردند و مبارز میروانی را دستگیر کردند. خلیفانی حکم اعدامشان را صادر کرد ولی اعدام آنها بدینگونه بود که آنها را به دست مرتجعین منتقله، پاداران دست پیورده سرور قیاده دادند و آنها را تشنگی گار چشم بکس. را سوزاندند، گوشت ران یک نفر را به او دادند که بخورد، دست و پای سه نفر را بریدند و بقیه را زنده کردند و بعد کشتند. جنازه ها را از روی لباسها پشان شناختند. تبلیغات رادیوی اسلامی قطب زاده کردها را متهم به وحشیگری و سر بریدن می نماید رژیم می بندارد با کشتار مردم سلفه ملی جل می خود، بیگاری تمام می شود بحران اقتصادی به سامان می رسد، اختلافات درون هیئت حاکمه پادگان می پذیرد، تضاد ارتش و پادگان را تخفیف می یابد.

رژیم می بندارد پس از خلق کرد می توان خلق ترک، ترکمن، عرب بلوچ را هم با کشتار آرام کرد. رژیم قصد دارد پس از اصلاح سرکوب خلق کرد و در حقیقت قتل عام کردها به کشتار دیگر نیروهای مبارز بپردازد تا بحران داخلی را حل کند، تا ارتش با ساری شود، ساواک جدید (سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران) به رهبری چمران همکاره شود، تا اطلاع سرمایه داران درستی حفظ نمود تا بتواند به سرمایه داران فراری اطمینان بدهد که ایران آماده چپاول است و آنها بر گردند.

رژیم می بندارد خلیفان را با سرکوب می خود به زیر یوغ چهارم آورد؟ تا کسی و تا چند، پاداران و ارتشبان در کردستان به مردم کشی می توانند ادامه دهند؟ مگر کشی تا کسی می شنید؟ مگر می شود اینهمه کشتار را تحمل کرد و نفسا و ت از آن گذشت؟

سفر به دوازده استان نیروی نظامی در سنندج یورش به طرف سقا فاز شد. جنگ از آدابهای اطراف فار گرفت و بنیاز زمین فودالهایی که از طرف دولت مسلح تقویت شده بودند، آغاز شد. در پی درخواست کمک بار زمین از اتحادیه کشاورزان (به کمی جوتاران) عده ای از افسران اتحادیه به محل درگیری می روند. نیروهای ارتش و پادگان را که نشان میروان که از قبل در سنندج دستگیر کرده بودند فرستادند که به دیگر مناطق کردستان نیرو فرستند، و جنگ گرفتار با آنها کردند تا در ظاهر برای خواباندن جنگ و در باطن برای سترو شدن در دیگر شهرهای کردستان یوانه منتقله شدند. در بین راه بین مردم مبارز دیوانه و نیروهای دولتی درگیری به وجود می آید که نیروهای دولتی باخت عمل مردم را سرکوب کردند و بهر اتمام می دهند. در سر راه نیروهای دولتی به هر روستائی که می رسیدند، با طاقت اهالی آنها را یورش می شدند (ایران شسر، سنندج ...)

روز دوشنبه ۲۹ مرداد ۵۸ پاداران به ۴۰ کیلوتری سقا به بخش ابرانشاه رسیدند و با عده ای از هوا داران سازمان و جمعیت زحمتکشان که برای طرفدار از دهقانان منطقه گرفتار در مقابل لگنان رفت بودند، برخورد کردند و در ضمن درگیری بین مردم و نیروهای انقلابی از یک طرف و پاداران از طرف دیگر که پاداران کشته و ۵ نفر از آنها زخمی شدند که آنها را به بیمارستان سنندج منتقل کردند. روز سه شنبه ۳۰ مرداد ۵۸ در گفتگوش با پاداران یکی از آنها هیئت امدتشان را به کردستان اینطور تعریف کرد:

" قبل از آمدن آنها را از زیر قرآن زد کردند و آغوشی به آنها گشته است که شاپرلی جنگ با کفار و روسها می رسد هر چند نفر از آنها را بکشید به همان تعداد دهه به بهشت می روید و گفته بود نامی توانید بکشید. چون آگیز خسی بشود آنها سر شامی برند. پادار می گفت:

" وقتی به بیمارستان منتقل شدیم مرگ خود مان را حتمی می دانستیم و فکر می کردیم که اطاق عمل کشتار گاه است. او را اینکه آنها را اجرامی کرد و می دادا نموده بودند احساس کردم می کرد و می گفت " او را اینکه درباره کردستان با بطور فکرمی کردم، عیجالت می کشم. این گفته به خوبی نشان می دهد که چگونه هیئت حاکمه از علایق و احساسات بچه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر